

پودیس
فاطمه الزهراء

پودیس
شهیدان پاکتران

میانجی/مفسر

هنر

سیک

طرح

ادبیر

رهبر

علمی/روشن

لامت

زهنر

نشریه فرهنگیان

خطایقیر حسین زاده

با همکاری

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان یزد





قَالَ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

طه-۱۱۴

بگو: پروردگارا علم مرا افزون کن.

زَكَاةُ الْعِلْمِ بِذَلِكَ لِمُسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ؛

زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آنند و کوشش در عمل به آن است.

(امام علی (ع))

غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۹۱



دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است؛
اینجا شخصیت معلمان ساخته میشود.

مقام معظم رهبری (مدظلیه العالی)

فهرست

- سخن سردبیر..... ۳
- معجزه پاییز، آرامش وصف ناپذیر..... ۴
- می شود کمی نادان بمانم..... ۵
- تصادف..... ۶
- زنگ هنر..... ۷
- شاگردهایت زهرا..... ۸
- هدف از آفرینش جهنم..... ۹
- نمکپارچ، پشت کوهای حسن آباد..... ۱۰
- تقلب..... ۱۱
- اگر رئیس جمهور بودم..... ۱۲
- نفس نادره..... ۱۴
- دوربین معلم..... ۱۵
- اهمیت صبحانه، دیابت..... ۱۶
- مصاحبه با دکتر رضایی اردانی..... ۱۷
- خاطره معلم، راهکارهای کلاس درس..... ۱۸
- بازی و تقویت حافظه..... ۱۸
- ویژگی های معلم از نظر دکتر ناظمیان..... ۱۹
- انسان‌نویسی با بازی..... ۱۹
- چکیده مقاله های علمی..... ۲۰
- فناوری..... ۲۲
- فراخوان، معرفی کتاب..... ۲۴

نسخه الکترونیک: www.farhangianyazd.ir
 رایانامه: yazd_farhangian@yahoo.com
 کانال تلگرام نشریه: [@farhangian_yazd](https://t.me/farhangian_yazd)

ادبی

سیاسی

هنری

مذهبی

فرهنگی

علمی پژوهشی

سلامت

فناوری

مهارت معلمی

طنز



دانشگاه فرهنگیان یزد

جناب آقای دکتر رضایی اردانی

سرکار خانم دکتر ناظمیان



نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان یزد

حجت السلام والمسلمین خراسانی

سرکار خانم دکتر شایق

مسئولین نشریه فرهنگیان یزد

مدیر مسئول:

محمد رضا طیبی میبدی

سر دبیران اصلی:

محمد جابر سالاری گوه‌ریزی، فریماه کاظمیان

مدیران هماهنگی:

محمد حسن لاله زاری، زهرا شایق

مدیران اجرایی:

محمد مهدی رفیعی مجومرد، جابر ممیز الاشجار

دبیر هیات تحریریه:

الهه آقا عسکری

روابط عمومی:

سید محمد علیرضایی میبدی، اسماء فتحی

عکاسان:

ایمان برزگری بنادکوک، سید مصطفی رضوی، میلاد شجاعی

تیم طراحی (جلد، صفحه آرای، پوستر، بنر، لوگو، نقاش):

علیرضا دهقان طزرجانی، محمد عسکری، مصطفی عادل،

احسان پور روستایی اردکانی، ابراهیم کاشفی، میلاد اکرمی،

محمد رضا دهقانی فیروزآباد، نفیسه حسین زاده، فائقه جهانگیری

سر دبیران بخش‌ها:

نوشین رجب زاده (علمی و پژوهشی)، علی اصغر شریفی نعمت

آباد (سیاسی)، محمد امین میمندیان شهر بابکی (هنری)، سجاد

ساردویی (فرهنگی اجتماعی)، امیر کاظمی (تکنولوژی آموزشی)، علی

عباس پور بحرانی (طنز)، هما زارع بیدکی (سلامت) سیده الهه

طباطبایی (ادبی) مریم ریسی نافچی (فناوری)، زهرا فاضل

(فراخوان)، مهدیه زارع عبداللہی (مهارت های معلمی)، علی دهقانی

تفتی (ویژه نامه نهاد رهبری)، مجتبی غلامی زارچ (سخن بزرگان)

تیم الکترونیک:

محمد رضا دهقانی فیروزآباد، سید مصطفی موسوی، مصطفی

غمخوار، مسعود منصوری اردکانی، مهدی صالحی زاده، زهرا فاضل

تیم ویراستاری:

میلاد شجاعی نیری، مهشید واعظ، سارا ستوده نیا کرانی

تیم تایپست:

محمد صادق کریمی میمونه، مصطفی دهقانپور فراشاه، سحر سلطان

زاده

مصاحبه گران:

مسعود زارعی محمود آبادی، زهرا عبدلی سخویدی

مسئولینی که در این شماره مارا یاری نموده اند:

برادران

محمد کاظم رحیمی نژاد، عباس سلمانی، عباس موحدی نسب، محمد علی غنی، سید عباس حسینی، علی اکبر کریمی، سید محمد رضا

حسینی، اصغردبیری، محمد حسن زارعیان

خواهران

خانم زنبق، خانم محمودی

همکاران ما در بخش الکترونیک:

برادران

امین آخوندزادگان، پرویز پرکی، سید علی حسینی، مجتبی غلامی، مجتبی کریمی زارچی، محمد حسین غریب میبدی، محمد ملانوری

شمسی، میلاد شریفی، محمد علی رحمانی

خواهران

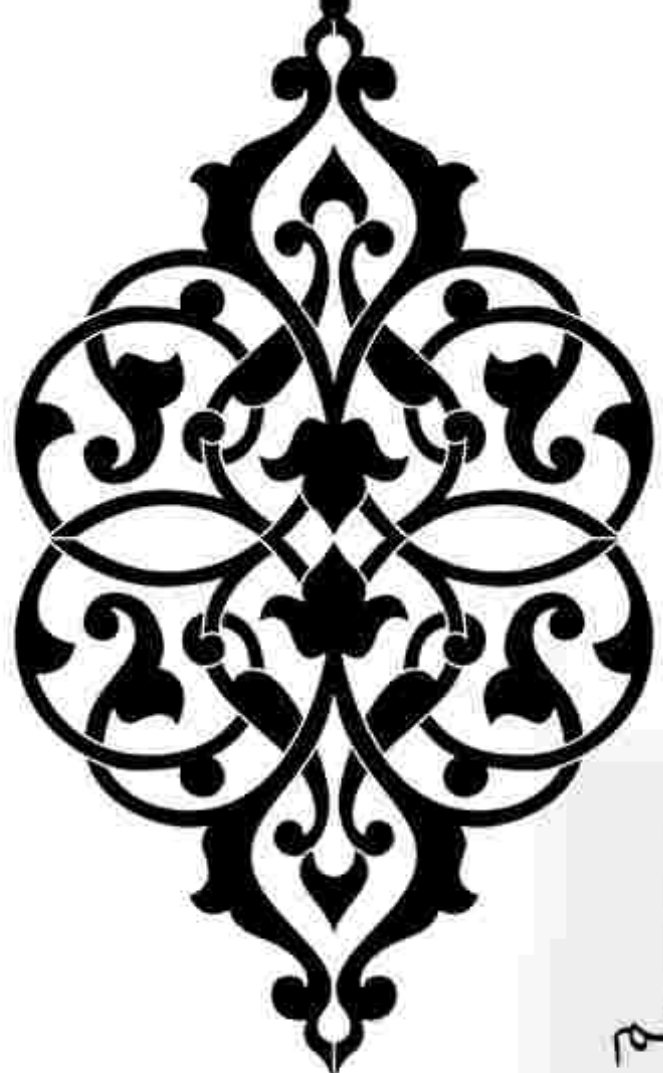
ابراهیمی، ابراهیمی نژاد، اسدی، اقبالات، انصاری، آل داوود، بهجو، پور امینی، جهان تیغ، چاکر الحسینی، حیدری، زارع ارنانی، سجادی،

عامری، عسکر نوه، علیخانی، فولادی، قاسمی، قانع، کارگر، محفوظی، مزرعه ملایی، موتاب، نعمت اللہی، دادآفرین، دهقانی فیروز آبادی،

زینلی، شریفی، طایفی، عباس زاده، قریشی نسب، معین الدینی، مهدی نژاد، نعمت اللہی، زارع زاده، شریفی فرد



سخن سر دیر



به این نام، به این احساس قشنگ
می‌بالم و چقدر امروز بیشتر از همیشه معلمانم
را دوست دارم!...



به لطف باری تعالی، توفیق حاصل گشت
تا اولین شماره‌ی نشریه‌ی «فرهنگیان
یزد» را به زیور طبع بیاراییم و اعتراف
می‌کنیم چنانچه یاری سبز دوستانمان،
رفیق راهنما نبود، توان اندک ما ارزش
جاودانگی نمی‌یافت.

اکنون دست خود را به‌سوی تمامی شما
عزیزان، علی‌الخصوص دوستان اهل‌قلم،
دراز می‌کنیم تا هستی‌مان را اثبات کنیم،
چراکه می‌دانیم هر انسانی برای اثبات
بودن خویش راهی را می‌گزیند، چنانکه
دکارت گفته است: «من می‌اندیشم، پس
هستم» و یا مهدی اخوان ثالث که مستی
خود را گواه هستی خود می‌داند و من
می‌اندیشم که هیچ‌چیز به‌اندازه‌ی خلق
یک جمله‌ی زیبا و تأثیرگذار، حجت بر
بودن انسان نیست. بیایید با همدلی و
همکاری صمیمانه، نشریه‌ای را رقم بزنیم
که دست‌کم مسئولین کنونی دانشگاهمان
تا سال‌ها ردپای حضورمان را در دانشگاه
رصد کنند و بودنمان را تمثیل تلاش و
عشق و وجود، بر آیندگان نمایند. پس
بیایید با هم‌نوایی هم با قلم‌هایمان،
فریاد بزنیم:



روز اول مدرسه شده بود. با جثه‌ی ریز و
فندق‌ی و با کوله‌پشتی دو برابر خودم، از زیر
آینه و قرآن مادر رد شده و با آقاخانم راهی
مدرسه شدم. این اولین ورود من به مدرسه،
به‌عنوان یک «دانش‌آموز» بود. هر چه فکر
می‌کنم یادم نمی‌آید که روز اول چه حسی
داشتم! احتمالاً ناراحت بودم و گریه می‌کردم!
و یا نه شایدم از دیدن این همه کودک هم
سن و سال خودم خوشحال بودم!...

نمی‌دانم! درست یادم نمی‌آید. تنها چیزی
که از آن روزها در خاطرم، به‌طور واضح،
مانده، صورت تپل و مهربان معلم کلاس اولم
است. او، اولین لبخند شروع مدرسه‌ام را به
من هدیه داد. هنوز هم گاهی اوقات وقتی
به روستایمان می‌روم، می‌بینمش! با آن که
کمی پیر و شکسته شده، اما هنوز همان
صورت تپل و مهربان را دارد.

جالب است برایم! از آن همه شوخ‌وشنگ بودن
های کلاس اول، تنها چیزی که به‌وضوح در
ذهنم مانده، چهره‌ی همین معلم است. تا
امسال دلیلش را نمی‌دانستم! اما این روزها
دلیلش را خوب می‌فهمم.

امسال اولین سال ورود من به مدرسه، به
عنوان یک «معلم» بود.

گاهی فکر می‌کنم چهره‌ی
من هم در خاطر دانش‌آموزانم
برای همیشه می‌ماند؟!
امروز من «معلم» هستم و چقدر

«من می‌نویسم، پس هستم»





معجزه‌ی پاییز



بهار رفت،
تابستان رفت،

اکنون پاییز، خاموش و ملال‌انگیزتر از همیشه آمده است؛ اما تو هنوز نیامده‌ای...
می‌ترسم از اینکه جمعه‌های پاییز هم بی تو به سر شود.
من و پاییز در انتظارت نشسته‌ایم، من در فراق اشک می‌ریزم و او برگ...

نکند حکایت دیدار ما بشود حکایت دیدار پاییز و بهار؟!
حساب زمان را ندارم، نمی‌دانم این چندمین خزان زندگی‌ام است که به انتظارت نشسته‌ام، مدت‌هاست که ساعات عمرم، همگی غرق در غم هجران تو گذشت.
ای آفتاب پنهانی!

کاش بیایی و به این غم پایان دهی!

آری، صدای قدم‌های زمستان است، اما گویی پاییز خیال رفتن ندارد، می‌خواهد آن قدر بماند تا تو بیایی.
زمین را بنگر...

این فرش طلایی، همه‌ی دارایی پاییز است که برای تو پهن کرده است، برای قدم‌های سبزه.
اما من شرمسارم...

برایت چیزی جز کوله باری از گناه و دل‌تنگی ندارم،
روزی هزار بار دلت را شکسته‌ام،

شاید بیهوده به انتظار وصال نشسته‌ام،

برگ‌های آرزوهایم یکایک زرد می‌شوند، بیا که دیدار تو بهار دوباره‌ی آن‌هاست.

ای از تبار یاس‌های خوش‌بو!

بیا...

حسرت دیدنت، پاییز را هم پیر کرده است.

یک عصر جمعه می‌افتد، آن اتفاق خوب را می‌گویم.

کاش این پاییز، شاهد آن اتفاق سبز باشد!



پریسا کارگریان

آرامش و صف‌ناپذیری

درحالی که همچنان نفس نفس می‌زد به طرف درب ورودی سالن که خالی از جمعیت شده بود رفت. مردی که جلوی درب ایستاده بود با تندی گفت: حالا می‌آیند؟ و قبل از اینکه او جوابی دهد دوباره با همان لحن گفت: چرا کیفیت را تحویل ندادی؟ بجنب پسر، الان امتحان شروع میشه؛ و با دست به کیوسک آبی‌رنگی اشاره کرد که مقابل سالن واقع شده بود. با همان استرس و صف‌ناپذیر به سمت کیوسک رفت، آن دو مداد اعصاب‌خردکن را به همراه یک پاک‌کن از کیفش درآورد و کیفش را تحویل داد، می‌خواست به سمت سالن برگردد که یادش به موبایلش افتاد که بی‌صدا در جیبش افتاده بود، موبایلش را هم به تحویلدار داد و به سمت سالن امتحان بازگشت. نگهبان بداخلاق همچنان دم در ایستاده بود. بعد از نشان دادن کارت ملی، کارت ورود به جلسه و بازرسی بدنی، بالاخره وارد این سالن بزرگ و وحشت‌آور شد. همه، سر جاهای خود نشسته بودند، سوالات پخش شده بود و قرآن در حال خوانده شدن بود. صندلی پیدا کردن در این سالن بزرگ کار راحتی نبود، بعد از آن همه بدبختی، مراقب مهربانی به پستش خورد که صندلی‌اش را پیدا کرد.

آدرس حوزه‌ی امتحانی را به راننده داد و راه افتادند. چشم‌هایش را روی هم گذاشت و به چیزهای خوب فکر کرد که صدای بلندی او را از جا کند و پرده‌ی افکارش را پاره کرد؛ بلکه صدای تصادف بود، گویا راننده‌ی بی‌احتیاطی که از فرعی می‌آمده با تاکسی تصادف کرده بود. راننده‌ی تاکسی پیاده شد و شروع به دعوا با راننده‌ی خاطی کرد. پسر که حالا خود را بدشانس‌ترین انسان می‌دانست، از ماشین پیاده شد تا ماشین دیگری بگیرد. راننده‌ی تاکسی که نزدیک بود با مرد بی‌احتیاط گلاویز شود، داد زد: آقا کرایتون. با اکراه پول مچاله شده‌ای را از جیبش درآورد و به راننده تاکسی داد. راننده که دعوا را رها کرده بود، خواست خرده‌ی پولش را به او بدهد، پسر گفت: عجله دارم، خرده‌اش را نمی‌خواهم و به راه افتاد.

این نهایت بدشانسی بود که در روز آزمون کنکور شاهد تصادف باشد. تمام فکرهای مثبتی که به زحمت در سرش جای داده بود پرید. حالا با استرسی وحشتناک درحالی که دیرش شده بود به خیابان چشم دوخته بود شاید تاکسی‌ای را ببیند. بعد از یک دقیقه انتظار که برایش دو ساعت گذشت، تصمیم گرفت بقیه راه را بدود. در همان یک دقیقه محاسبه کرده بود اگر این مسیر را بدود نباید پنج تا شش دقیقه بیشتر طول بکشد پس شروع به دویدن کرد. بالاخره این مسیر نامتناهی تمام شد.

صدای نفس‌هایش که به شماره افتاده بودند، در میان تاپ‌تاپ دویدنش شنیده می‌شد. رنگش کبود شده بود، نگاهش که می‌کردی به راحتی می‌شد فهمید که از استرس و دلهره قلبش می‌خواهد از جا کنده شود. ترافیک نسبت به نیم ساعت قبل روان تر بود، به قدری دیرش شده بود که نمی‌فهمید چطوری می‌دود، تق تق به هم خوردن دو مدادی که در کیفش بود او را آزار می‌داد.

دیشب مادرش به او دمنوشی داده بود که نکند پسرش استرس بگیرد و امتحانش را خراب کند. خانواده‌اش بسیار معمولی بودند، ولی او به خاطر پول درآوردن درس نمی‌خواند، او عاشق درس خواندن بود. در تمام یک سالی که گذشته بود، همه‌ی کتاب‌هایش را با رضایت خوانده بود، پیشرفت نسبتاً خوبی هم داشت، ولی این ماه آخر افت کرده بود تا جایی که به نظر می‌رسید نتواند دانشگاه مد نظرش قبول شود و این ماجرا او را آشفته می‌کرد.

از صبح که برای نماز صبح بیدار شد، دیگر خوابش نبرد. سعی کرد مثبت فکر کند ولی نمی‌شد؛ صبحانه مفصلی خورد و به موقع از خانه بیرون آمد؛ تا تاکسی گرفت پنج دقیقه‌ای معطل شد،



احساس اجبار به فداکاری لازمه زندگیست
پرفسور حسینی



برخی از آنان دستشان را روی کاور گذاشته بودند تا به محض شروع امتحان آن را پاره کنند. هنوز او به اندازه کافی استرس داشت که بتواند کنکورش را خراب کند. تلاوت قرآن به پایان رسید، «شروع کنید»، این صدای گوینده‌ی سالن بود که آغاز آزمون را اعلام کرد. صدای پاره شدن کاور ها به گوش می‌رسید، او نیز پلاستیک روی سؤالات را پاره کرد و درحالی‌که دستش می‌لرزید دفترچه‌ی سؤالات را بیرون کشید و آن را باز کرد. طبق معمول اولین سؤالات، سؤالات ادبیات عمومی بود. همین‌که نگاهش به سؤالات ادبیات افتاد چهره اش برقی زد، یادش به معلم ادبیات فارسی افتاد که در جلسه‌ی آخر گفته بود وقتی به جلسه‌ی کنکور رفتید زیر لب بگویید: «الابدکر الله تطمئن القلوب»، او خوب می‌دانست که معلم ادبیات از ته دل به این جمله اعتقاد داشت. از نگاه آن معلم آرامشی می‌بارید که به قول خودش این آرامش را مدیون این جمله بود. صدای معلم را به ذهن آورد، طوری که با او زمزمه می‌کرد گفت: «الابدکر الله تطمئن القلوب».

تقریباً سه ماه بعد در دانشگاه فرهنگیان صدای گام‌های دانشجویی شنیده شد که گویا سراسر وجود او را آرامش فراگرفته است، جلو آمد و با خشنودی پرسید: دبیری ادبیات فارسی قبول شده‌ام، برای ثبت‌نام باید کجا بروم؟

مرضیه برزگری

می‌شود کمی نادان بمانم؟!؟

من رؤیایی هستم. این را بارها از افرادی که می‌شناختم، شنیده‌ام. یا حتی بهتر است بگویم مورد تمسخر واقع شده‌ام؛ اما این خیلی مهم نیست، چون افکار آنان مانند رقص افکار من، موزون نیست. آنان حتماً نمی‌دانند که رؤیاها و آرمان‌ها چه اعتباری به آینده می‌دهد.

برکه‌ی آبی که هر شب منتظر ماه کامل است، بالاخره روزی آن را می‌بیند. انتظار دیدن ماه شب چهارده‌ام، نمی‌گذارد برکه خشک شود. من منتظر ماه شب چهارده‌ام. خود، گاهی خسته می‌شوم، گاهی ناراحت، اما دست از انتظار نمی‌کشم. حرکت می‌کنم به‌سوی کوچه‌باغ آرزوها. دور است این کوچه‌باغ، پیچ‌درپیچ‌های زندگی جلوی دیدگانم را گرفته‌اند. زخم‌زبان‌ها، سنگ می‌اندازند جلوی راهم. آن‌ها نمی‌دانند من، طناب آرزو می‌بافم تا به آن ماه شب چهارده‌ام برسم.

می‌روم حوالی جایی بی اسم تا کمی خستگی در کنم. کمی بنشینم و سرشار شوم از موسیقی وجودم. بنوازد از آشتی میان ما و آرزوها. دور کند مرا از عادت هراسیدن و به اوج نرسیدن. جوانی‌ام را یادم می‌آورد که می‌توانم میان دشت‌های زندگانی، قدر تمند بدوم.

صدای خنده‌هایم بلرزاند غصه‌ها را. بداند خنجر لبخند من، او را از پای درمی‌آورد. جوانی، دل خسته ندارد، هوای دل ابری را تاب نمی‌آورد، می‌رود تا باز خورشید را، خود را، در آسمان بیاورد. جوانی نمی‌نشیند تا فردا بیاید و شب شود و روزی دیگر آغاز شود.

آرام آرام رفتن، کار جوان نیست. او اوج را می‌بیند. کسی می‌آید و پاهایش را می‌گیرد، متهم می‌شود به تجربه نداشتن. جوان رؤیایی، جوان آرمانی، جوان پرشور، همه یک‌چیز را می‌شنوند ((تو جوانی و نمی‌دانی)). اینجا جوانی، خود، اتهام است چه برسد به آن که بخواهی دنیای آرمانیت را هم بسازی و کمی فراتر پا بگذاری و حصار زندگی را تو تعیین کنی؛ آن وقت بعضی چهل‌ساله‌ها، بعضی پنجاه‌ساله‌ها، بعضی شصت‌ساله‌ها، از راه می‌رسند تا بگویند تو جوانی و متهمت کنند. به تو بگویند مرتب که راهی که تو می‌خواهی بروی را آن‌ها سال‌ها پیش رفته‌اند و تا شاید اندکی نادان باشی و ندانی که راه درست چیست. مگر آدم‌بزرگ‌ها یادشان رفته است که خودشان جوان بوده‌اند و در سر، عاشقانه‌ها می‌سرودند، مگر نه آن است که مولوی می‌گوید:

زنده‌دل‌ها می‌شوند از عشق، مست
مرده‌دل کی عشق را آرد به دست؟!

آهای همه‌ی جوانی من، تو حاضری در این چند روز با تو بودن، مردگی دل، هم‌زبان من باشد؟ یا برویم تا برسیم به کوچه آرزوهایمان؟
سلام به همه‌ی آدم‌های دانای زندگی‌ام
من زیاد نمی‌دانم، زیاد هم تجربه ندارم. از همه‌ی شما هم عذرخواهی می‌کنم که می‌خواهم خودم انتخاب کنم که چگونه هرروز زندگی‌ام را آغاز کنم؛ عذرخواهی می‌کنم که به سبک شما بلد نیستم زندگی کنم؛ عذرخواهی می‌کنم که شاید گاهی از آرزوهای دست‌نیافتنی برای خودم آینده را تصور می‌کنم. من به اندازه‌ی کافی دانا نیستم، فقط کمی می‌خواهم هوای لاله‌های دلم را داشته باشم. با اجازه می‌شود کمی نادان بمانم؟ فقط کمی نادان ...

الهه آقاعسکری



تصادف



تصادف چیست؟ تصادف به هم رسیدن دو خط موازی است که فقط در دنیای ما آدمها می‌تونه حادث بشه. تصادف به هم رسیدن دو خط موازیه که غیر از دنیای ما آدمها، در هیچ دنیای دیگه، چه دنیای ریاضیات، چه دنیای فیزیک و حتی چه در دنیای فلسفه و منطق، هرگز و هرگز اتفاق نمی‌افته و شاید برای همین هم بهش میگن تصادف. چون از میون این همه دنیا فقط و فقط تو یه دنیاست که این خطوط بهم میرسن. پس به هم رسیدن این دو خط موازی کاملاً تصادفیه.

حالا من موندم چی میشه که فقط و فقط تو دنیای ما آدمها، این دو تا خط باهم تصادف می‌کنن؟ آخه وقتی یاد دوران بچگیم تو ده می‌افتم، یادم میاد وقتی در طولیه رو باز می‌کردم، همه گوسفندا به حیاط خونه هجوم می‌بردند ولی هیچ کدوم زیر پای اون یکی له نمی‌شد یا وقتی گوسفندا بوی چشمه ده به مشامشون می‌رسید و برای نوشیدن آب از هم سبقت می‌گرفتند، باز هیچ کدوم تلف نمی‌شدند یا همونطور وقتی دنیای مورچه‌ها، زنبورا، پرستوهای مهاجر و ... رو نگاه می‌کردم، هیچ‌وقت اون قانون ریاضی رو مخدوش شده نمی‌دیدم؛ اما چی میشه که این خطوط در دنیای ما آدمها به هم می‌رسن و شدیدتر از اون همدیگه رو قطع می‌کنن و خیلی بدتر هم دیگه رو قطعه‌قطعه می‌کنن؟

هر وقت تو این خیابون‌های شلوغ شهرمون تصادفی می‌دیدم، به فکر فرومی‌رفتم که دلیل آن تصادف چیه؟ به پیچ‌هایی گوش می‌کردم که مردمان جمع آمده بر بالین مصدومین در گوش یکدیگر نجوا می‌کردن. یکی نقص وسیله نقلیه را عامل می‌دانست و دیگری خطوط مغشوش خیابان را بهانه می‌نمود، یکی عدم مهارت راننده را و دیگری گردش به چپ را، یکی عدم توجه به جلو را و دیگری علائم جاده را، یکی از شیب می‌گفت و دیگری از پیچ، یکی از سائیدگی لنت و دیگری از سائیدگی لاستیک، یکی نقص چراغ و دیگری از چشمک نزدن راهنما.

همه این همه‌ها ذهنم را مغشوش و مشوش می‌ساخت. من همه عوامل را در همه فرمول‌های فیثاغورث و پاسکال، جذر و ضرب و جمع و تفریق نمودم، لیک هیچ جواب نداد. به هزار فرمول خواستم نقش لنت را در به هم زدن رابطه دو خط موازی بیازمایم، لیک هیچم حاصل نشد. تابع و مشتق شیب و پیچ جاده و سینوس خطوط جاده را نیز، در حل این معما عاجز دیدم. نه فقط فیزیک و ریاضی، بلکه شیمی تجزیه نیز از تجزیه لاستیک‌ها، نتیجه‌ای عایدش نشد. همه علم مهندسی عمران و مکانیک از محاسبه جاده و خودرو، پی به چگونگی تقاطع دو خط موازی نبردند. گواهینامه‌ها که نشان از سلامت جسم و چشم رانندگان داشت، راه را بر بهانه‌جویی‌های علم پزشکی می‌بست تا تقاطع خطوط را خطای چشم خواند.

من باز با نگاه به دخترک معصومی که زانوان خونینش را در آغوش گرفته و می‌فشرده، به دورنمای ذهن مشوشم بازگشتم و در پی آن حادثه رقت‌انگیز، به دنبال جوابی برای آن قانون متصلب و قطعی ریاضیات بودم. خدایا تو کمک کن تا پاسخم را بیابم. چرا دو خط موازی در دنیای ما آدمها، این چنین بر هم سوار می‌شوند؟

باز نگاهم در چشمان خیس دخترک قفل شد، بلورهای چشم دخترک بر کریستال‌های ریخته شده بر سطح خیابان می‌چکید. بوی خون تازه دخترک، در بوی تند بنزینی که از موتورسیکلت پدر بر زمین سرد می‌ریخت، محو می‌شد.

باز با نگاه به کتاب ریاضی دخترک که در گوشه‌ای از خیابان، باد آن را تورق می‌کرد، سؤال همیشگی‌ام تکرار شد. چرا دو خط موازی در دنیای ما آدمها، بر هم سوار می‌شوند؟

جلوتر رفتم و در کنار کتاب ریاضی دخترک، بر زمین نشستم. خطوط و علائم را نیک نگریستم، سپس چشمانم از خطوط کتاب، بر خطوط پیشانی و چهره پدر دخترک خیره ماند. لرزی شفاف، وجودم را در برگرفت. اشک در چشمانم حدقه زد، دیگر نمی‌توانستم به خطوط چهره مرد نگاه کنم. خطوط، در انعکاس قطرات اشکم، خود را به شکل موج نمایش می‌داد. آری، من پاسخم را یافته بودم. خطوط دنیای ما آدمها، با همه خطوطی که در دنیای فیزیک و ریاضیات و غیره است متفاوت است. خط دنیای ما آدمها، از جنس دیگه‌ای است. خط دنیای ما آدمها، خط فقره! آری، خط فقر. خطی که فرقی نمی‌کنه و مهم نیست که چه شکلی باشه، موازی باشه، منحنی باشه، شکسته باشه، هر جورش که باشه خطوط دیگه بر روی اون سوار میشن. مثل خطوط چهره تکیده آن پدر و مثل خطی که اشک، بر پهنای چهره دخترک ترسیم می‌کرد.

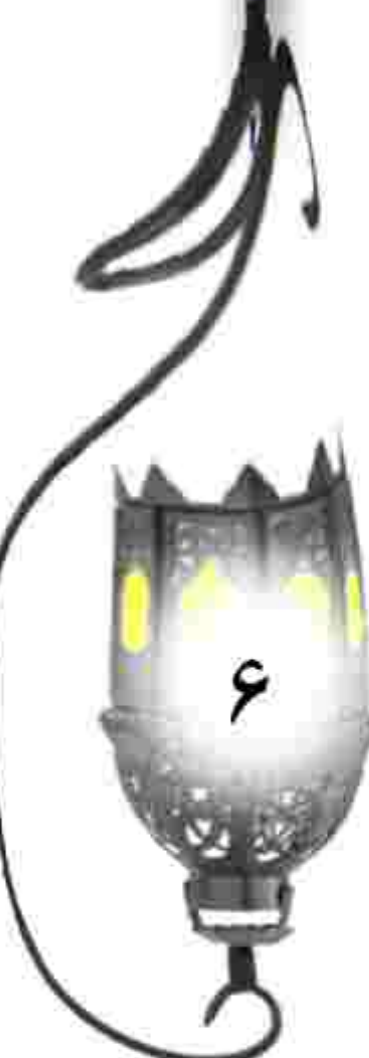
همه، شکاف زانوان دخترک را از شکاف آسفالت دانستند، لیک از آن جماعت یکی آن شکاف خونین را از شکاف اجتماعی ندانست. شکافی که همه شکاف‌ها در آن می‌شکفد.

وای خدای من، آیا آن دخترک، دفترچه بیمه دارد؟ آن پدر، چه؟ موتورسیکلت قدیمی‌اش که به عهد انقلاب صنعتی برمی‌گردد، بیمه دارد؟ وای اگر این موتورسیکلت که همه تقصیرها را عهده‌دار شده، بیمه نباشد، چه باید کرد؟

این پدر، چگونه از عهده خسارت سپر اتومبیلی برآید که باید همه زندگی‌اش را در برابر آن سپر کند؟ وای بدنه اتومبیل هم خط افتاده! آن را چه باید کرد؟ شاید خط آن از ناحیه زانوان دخترک باشد!

قلم پلیس بر اوراق جریمه می‌رقصد؛ برگ اول، آن دایر بر تخلف پدر در استفاده از وسیله نقلیه (دو زمانه) اسقاطی است؛ برگ دوم، نداشتن معاینه فنی؛ برگ سوم، رعایت نکردن حق تقدم کسانی است که همیشه متقدمند، برگ چهارم، تخلف حادثه‌ساز ... وقتی پلیس به برگ چهارم رسید، دخترک، لرزان بر زانوان زخمیش ایستاد و چشم در چشمان پلیس دوخت و گفت: آقای پلیس این یکی را ننویس، برایم حادثه‌ای رخ نداده. در میان هیاهوی جمع، تنها دخترک می‌دانست که چرا موتورسیکلت بابا، لنت و چراغ ندارد. در میان همه‌ها جمع، تنها دخترک می‌دانست چرا فرمان موتور در دستان یخ‌زده و کرخت پدر می‌لغزد و در میانه این جمع، تنها این دخترک بود که بر براثت پدر گواهی می‌داد. پدر همه‌چیزش بود، همه دنیای کوچکش. پدری که جیب‌های خاکی‌اش اگرچه همواره خالی بود، لیک مأمن گرمی بود برای دستان دخترک تا بر ترک پدر این کوچه‌های همیشه سرد زندگی را بپیماید. پدری که اینک دیگر جیب‌هایش چون همیشه خالی نبود و برگه‌های پلیس آن را سنگین‌تر از همیشه ساخته بود. برگه‌هایی از جنس خط، برگه‌هایی از جنس خط ما آدمها.

دکتر سید محمدجواد میرخلیلی، محمد عسکری

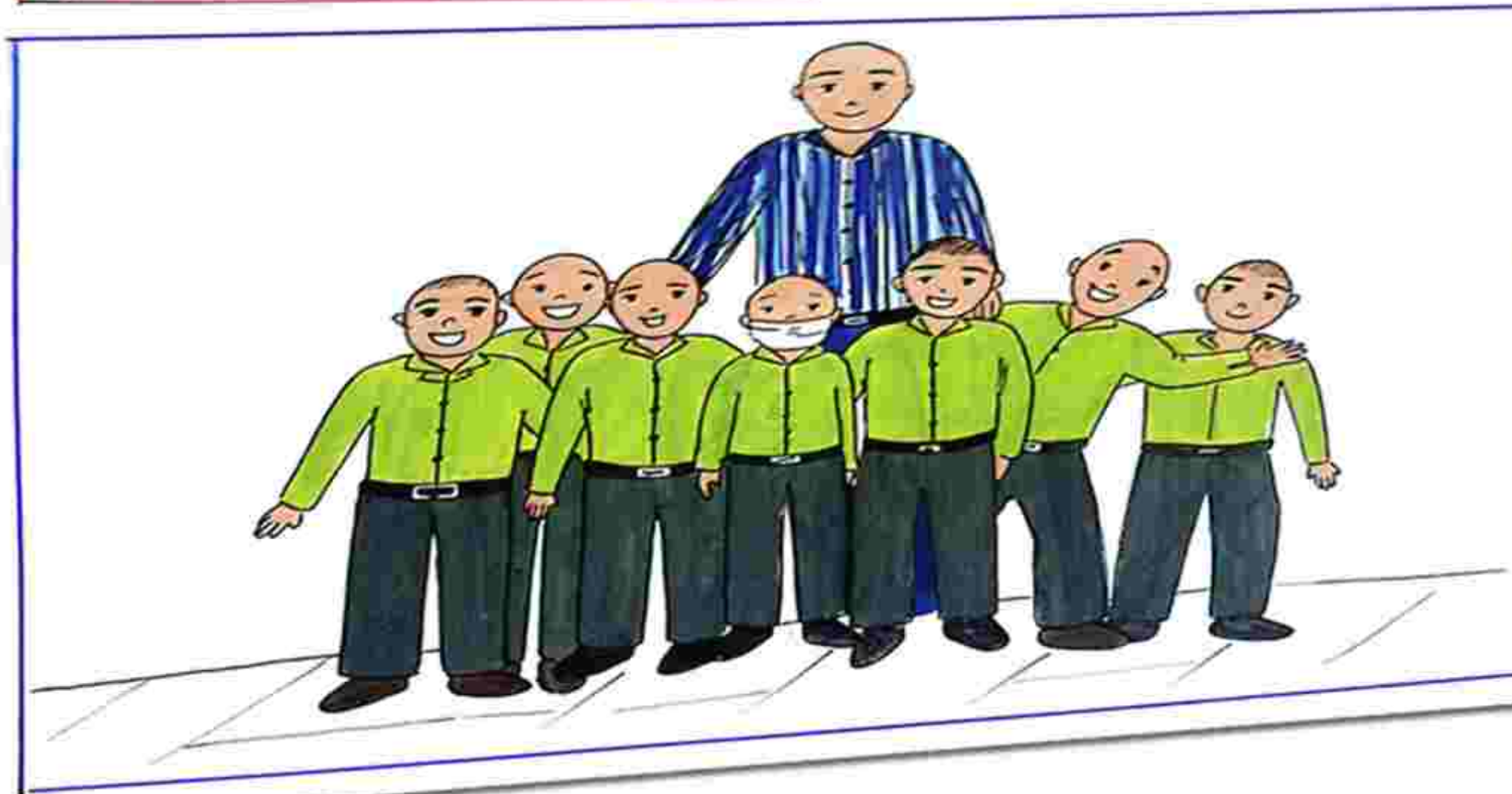
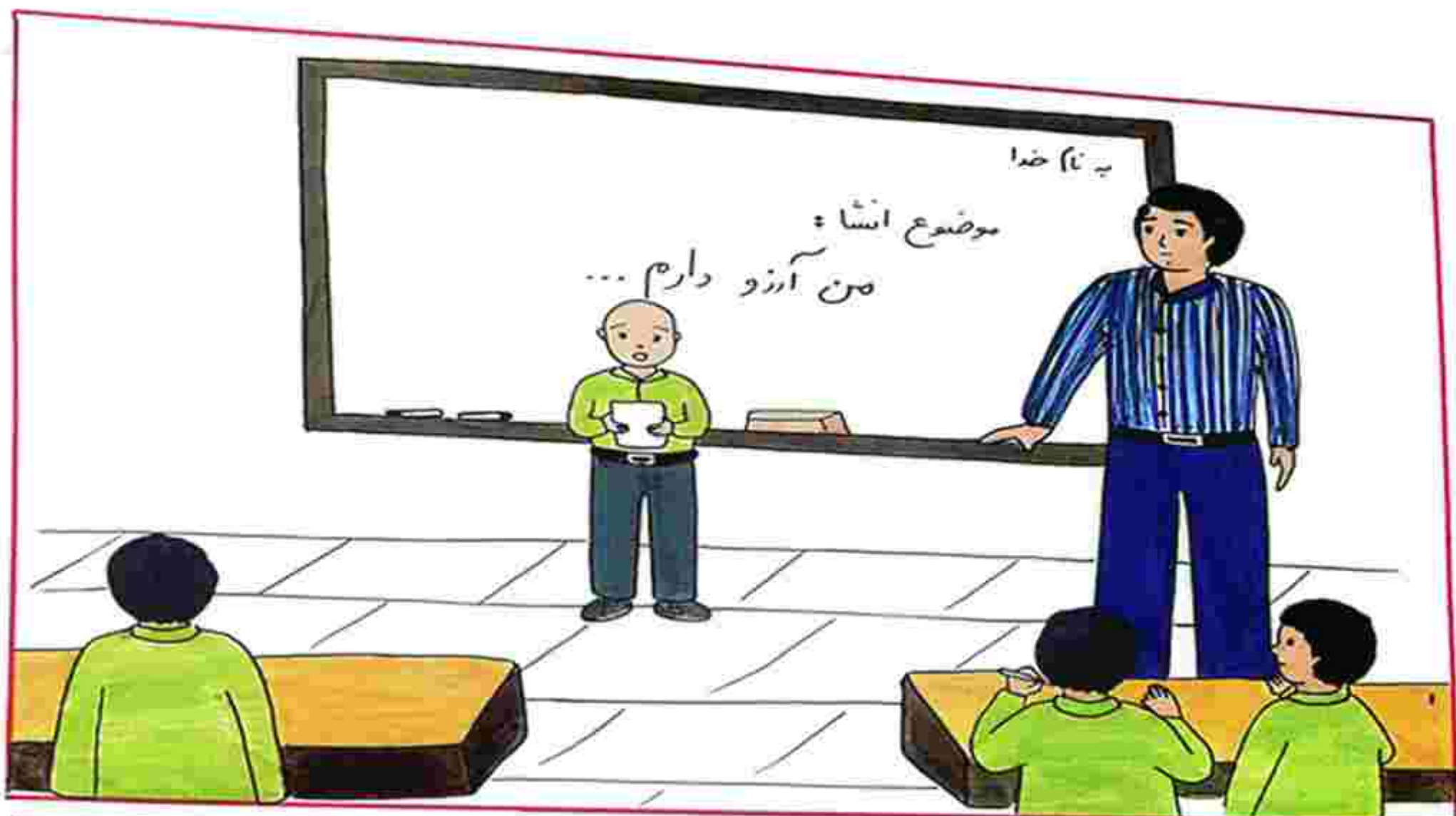




زنگ هنر



به یاد فداکاری معلم دلسوز محمد علی محمدیان



فائده جهانگیری



مرا یاد بگیر
نه مثل جبر...
نه مثل هندسه...
نه مثل یک منهای یک
همیشه صفر میشود
مرا یاد بگیر
مثل نیمکت آخر-
زنگ آخر-
و دستانی که نام تورا-
مدام روی چوب حک میکرد
مرا یاد بگیر!

مریم ریسی
لوکیشن: پردیس فاطمه الزهرا

ساعتی که بر مشکلات بخندد

شکسپیر



شاگردهای زهرا...

مادر، جلسه قرآن گرفته و قبلش بهش یادآوری کردم که برای استجابت دعای من، بیشتر پافشاری کند. چشم‌غره‌ای می‌رود و با حرص می‌گوید: رسول حلالیت نمی‌کنم اگر دعای .. لا اله الا اللهی زیر لب می‌گوید و می‌رود داخل خانه، اما نمی‌داند من دعای شهادت نمی‌خوانم. خب اگر لایقش باشم خدا خودش می‌رساند، در ضمن فعلاً زنده‌ام بیشتر بدرد می‌خورد تا بخواهم به خاطر خودخواهی خودم شهید شوم. با زهرا که بحث می‌کردم سر رفتن، می‌گفت تو فقط می‌خواهی بروی شهید شوی و مرا دق بدهی. با لبخند نگاهش می‌کردم و مثل همیشه که بدش می‌آمد می‌گفتم: نه منزل جان، به جان خود عزیزت، من آن‌قدر خودخواه نیستم، می‌خواهم بروم گوش این همسایه اذیت کن نامرد را بیچانم.

زهرا حرفی نمی‌زند، فقط نگاه می‌کند، زل زده است به من و یکریز اشک می‌ریزد. می‌گوید: رسول من، مواظب خودت باشی ها. می‌گویم: عزیز رسول، به خاطره شما، عیال غرغرو هم که باشد، بنده مواظب خودم هستم، دوباره اشک می‌ریزی و من به خودم لعنت می‌فرستم که آن‌قدر تو را دوست دارم که نباید آن‌قدر سنگ دل باشم که بروم دنبال هدف خودم، بی‌فکر و توصیه به تو. دوست دارم خودم بهت بگویم عزیز رسول، شاید هیچ‌وقت اصلاً پیدا نشدم، شاید آن‌قدر تیکه پاره شوم که حتی توهم مرا شناسی خانم معلم...

از در حیاط که پا می‌گذارم بیرون، محل شلوغ است و من نمی‌دانم چطور با این همه مردم که با محبت آمده‌اند سمتم، خداحافظی کنم. می‌خواهم که سوار ماشین شوم، سید بهرام می‌آید سمتم. مثل همیشه خندان است، می‌گوید: پهلوان رسول، رفتی برایم دعوت‌نامه بفرست تا من هم بیایم. می‌خندم و دست روی شانه‌اش می‌گذارم می‌گویم: سید بهرام، شما عجلتاً به آن موضوع که بهش اطلاع دارید و مدتی ست گلویتان را درآورده برسید تا بعد ... شیرین می‌خندند و دست به صورتش می‌کشد.

توی سنگر نشسته‌ام و دارم برایت نامه می‌نویسم: «خانم معلم جان، می‌دانم که خوبی، باید خوب باشی، آخر اگر من بدانم که خوب نیستی که نمی‌توانم دوام بیاورم. پس مهربانم تا می‌توانی خوب باش تا سربازت

زهرا جان، از من که دیگر دلخور نیستی؟ آخر میدانی که جهاد است و توصیه پیامبر، نمی‌شود که زمین انداخت. زهرا جان، فقط یک چیز از شما می‌خواهم که به دانش‌آموزانت بگویی که اینجا رزمنده‌ها چه می‌کنند و چه دلاور مردی‌هاست؛ بگویی که برای چه آمده‌اند؛ بگو که سربلندمان کنند. خب دیگر عزیز رسول، مزاحم وقت گران‌بهایتان نمی‌شوم خانم معلم. مواظب خودت، مادر و شاگردهایت باش. ارادت‌مند شما رسول سجادی که با عشق این نامه مچاله و درب‌وداغان را به عیال غرغرویش تقدیم می‌کند».

نامه خانم معلم که تمام می‌شود شروع به نوشتن برای مادر می‌کنم: "مادر جان سلام، ان شاءالله که حالتان خوب است. ماهم خوب هستیم. اینجا یک مزرعه گل راه انداخته‌ام مادر، هر وقت که به گل‌هایم نگاه می‌کنم یاد دستان پرمهر شما می‌افتم که با تمام زحماتی که با آن‌ها کشیده‌اید هنوز هم از برگ گل برای من لطیف‌تر است. قربانت بروم مادر، غصه مرا نخوری ها. میدانم که هرروز یا جلسه قرآن می‌گیری یا سفره می‌اندازی برای سلامتی من، اما مادرم، اگر سفره می‌گیرید برای سلامتی من نباشد برای سلامتی همه‌ی بچه‌های اینجا، برای پیروز شدن ایران عزیزمان دعا کنید.

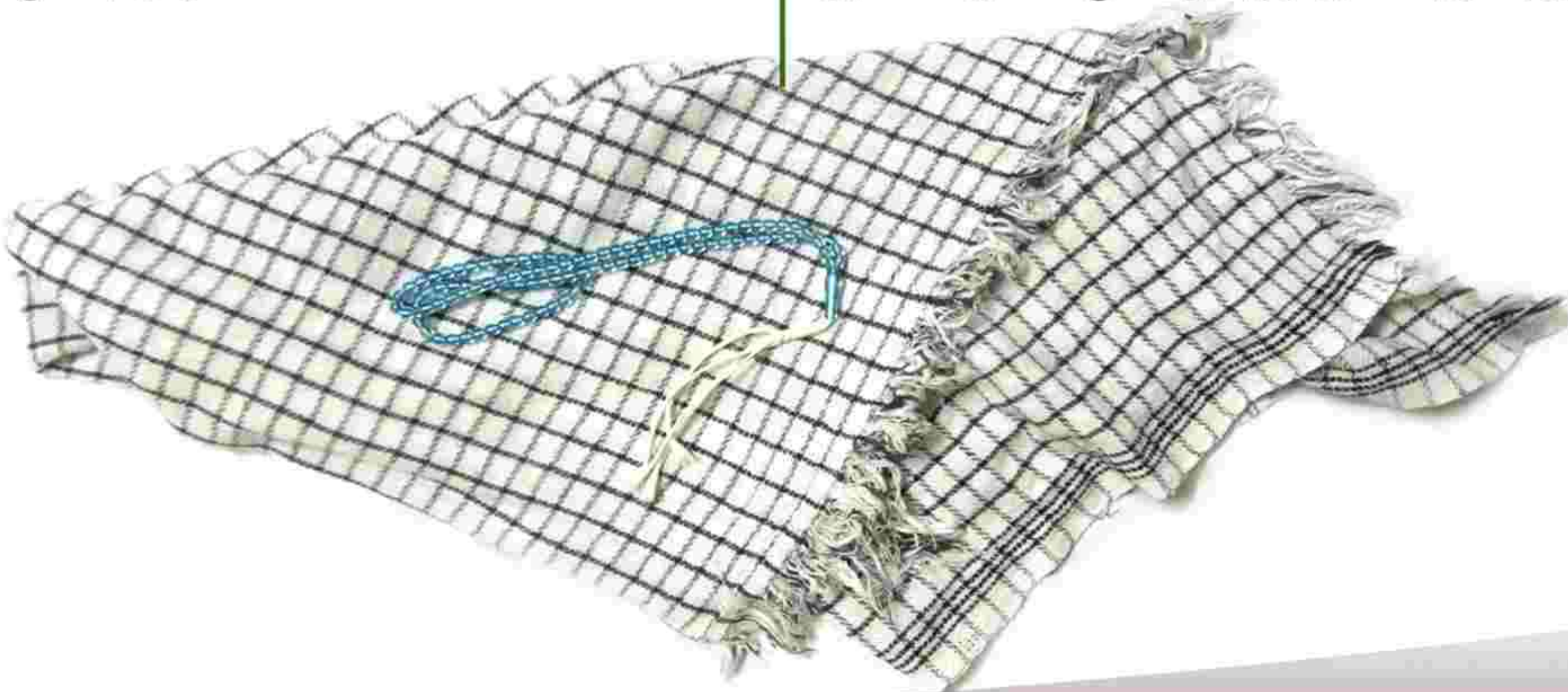
راستی مادر جان، شمعدانی‌هایم چطورند؟ میدانم مادر، شیر زنی هستی تمام‌عیار، پس از زهرای من هم همان‌طور که شمعدانی‌ها را مراقبت می‌کنی، مواظبش باش. خب مادرم، بوسه می‌زنم روی تمام خستگی‌ها و مهربانی‌هایی که در حق این پسر کشیده‌اید. قربان شما، پسران رسول سجادی."

نامه‌ها را توی پاکت می‌گذارم و دست محمدعلی می‌دهم که با خود برگرداند عقب. آن‌قدر که عجله داشت نفهمیدم چه نوشتم. نامه‌ها انگار که مونس‌م باشند، همین‌که دست محمدعلی می‌دهم دلم می‌گیرد، انگار تسکین دل بی‌قرارم بودند از نامه‌ها دل می‌کنم و می‌روم توی خاکریز پیش حاج خسرو. مشغول

بررسی نقشه شناسایی بچه‌های غواص بودیم که یکی از سربازها می‌آید و می‌گوید که یک نفر کار واجب با من دارد. از سنگر که می‌آیم بیرون، قیافه خندان سید بهرام جلو چشم‌هام ظاهر می‌شود. با خنده می‌آید سمتم و می‌گوید: به پهلوان رسول، یک خوش‌آمد گویی، شتری، گاوی، مرغی. بغلش می‌کنم و می‌گویم که کمتر نمک‌هایش را بریزد توی خاکریز. می‌خندد و می‌گوید: حتماً باید به مادر یک نامه بنویسم که پیش شما هستم و این‌طور خیالش را راحت کنم. می‌گویم: آخر پسر خوب، سید بهرام جان، مگر می‌شود چون پیش منی دیگر هیچی به هیچی. می‌گوید: نه پهلوان، مادرست دیگر، در حالت عادی هم که نگران است، دوست دارد دل‌خوشی داشته باشد بالاخره. سری تکان می‌دهم و به عملیات تفحص بچه‌های غواص فکر می‌کنم.

توی خوابت می‌آیم و می‌گویم: زهرا جان، آن‌قدر نفرین نفرست. یک خدابیامرزی هم بگو؛ و تو مثل همیشه غرغر می‌کنی و من چقدر این لحظه برایم شیرین است؛ اما بعد که هرروز این حالت را می‌بینم عذاب می‌کشم. دوست دارم بیایم کنارت بنشینم و بگویم زهرا جان، این‌طور نکن، به خدا دلم می‌گیرد ها. من راضی نیستم آن‌قدر خودت را اذیت کنی. خودت که رضایت دادی به من. دوباره که می‌آیم به خوابت این بار گریه می‌کنی و من چقدر از خودم بدم می‌آید که اشک تو را درآورده‌ام خانم معلم جان. از خواب که بلند می‌شوی دوباره می‌شوی همان عیال خودم. حالا دیگر وقت رفتن است، می‌توانم راحت بروم. بچه‌ها منتظرند. می‌روم سمتشان و همه باهم راه می‌افتیم. آخ که چقدر خاطرجمع می‌شدم که است. فقط کاش خاطرجمع می‌شدم که خونمان که برای حفظ این وطن ریخته شد با آب شسته نمی‌شود. میدانم، من به شاگردهای ایمان دارم زهرا...

زهرا بگدلی



هدف از آفرینش جهنم

«و خدا شما را به سوی بهشت فراموش خواند.» سوره بقره، آیه ۲۲۱

چرا خدا جهنم را آفرید تا آدم‌ها را در آنجا بسوزاند؟

یا نباید آدمی مثل صدام که هزاران مرد و زن بی گناه را کشت و بچه‌های مظلوم شهر دزفول را با موشک به قتل رساند، جهنمی شود؟ چنین افرادی، جهنم را خودشان انتخاب کرده‌اند.

جایی که خدا برای ما انسان‌ها در نظر گرفته، بهشت است. اگر در قرآن این همه آیه می‌بینی که از بهشت می‌گویند، برای همین است که ما با انجام کارهای خوب، به طرف بهشت برویم. در آیه ۲۲۱ سوره بقره می‌خوانیم: «خدا شما را به سوی بهشت می‌خواند.» و در سوره آل عمران می‌فرماید: «بشتابید به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است.»

وقتی قرآن کریم، درباره جهنم توضیح می‌دهد، می‌خواهد ما را از خطر آن آگاه کند. اگر خدا می‌خواست مردم را به جهنم ببرد، دلیلی نداشت که بهشت را هم بسازد یا مردم را از خطر جهنم باخبر کند.

جهنم، نتیجه کار خود آدم‌های کافر و انسان‌های گناهکار است. همان‌طور که اگر کسی مسواک نزنند، دندان‌هایش خراب می‌شود و درد می‌گیرد و یا هرکس پرخوری کند، مریض می‌شود و همین‌طور اگر کسی در زمستان با پیراهن نازک بیرون برود، سرما می‌خورد، سرانجام آدم گناهکار نیز، جهنم است.

خداوند دوست دارد ما بهشتی شویم و برای رسیدن به بهشت، به ما خیلی کمک می‌کند؛ اما اگر کسانی بخواهند راه جهنم را انتخاب کنند، تقصیر خودشان است.

شاید برای شما هم زیاد اتفاق افتاده است که کودکانی گاهی از شما سوالاتی پرسیده باشند که از پاسخ دادن عاجز مانده باشید. بر پدر و مادرها لازم است که با مطالعه و تحقیق بتوانند تا حدی جوابی بر کودک خود عرضه نمایند. واضح است که یک معلم آگاه و فرهیخته نیز باید خود را آماده ی جواب دادن به کودک پاک و خلاق خود نماید.

سعی داریم در هر شماره نشریه فرهنگیان یزد به یکی از این سوالات پاسخ دهیم. این پاسخها برگرفته از کتاب خداشناسی قرآنی کودکان نوشته ی غلامرضا حیدری ابهری است که با زبان کودکان نوشته شده است. امیدواریم که نهایت استفاده حاصل گردد.

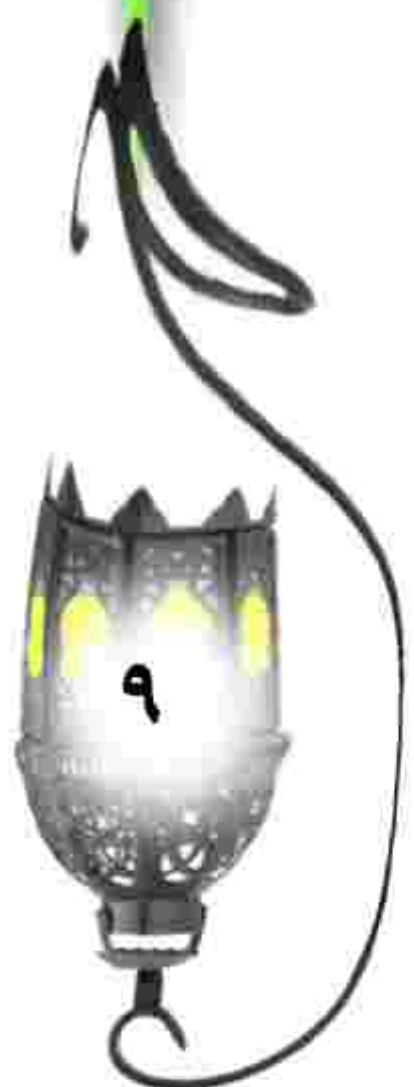
ببین عزیزم!

خدا اصلاً دوست ندارد کسی را به جهنم ببرد، او به ما آدم‌ها عقل داده است تا راه خوب را از راه بد بشناسیم و گمراه نشویم و به جهنم نرویم. خداوند پیامبران بی‌شماری هم فرستاده است تا مردم را راهنمایی کنند و آن‌ها را از آتش جهنم بترسانند.

مطمئن باش خدا هر گناه کاری را هم به جهنم نمی‌برد؛ کسانی که از گناه خود پشیمان شوند و توبه کنند، به جهنم نخواهند رفت. علاوه بر این خدا، خیلی از گناهان ما را هم بدون توبه می‌بخشد.

رحمت خدا، خیلی زیاد است. فقط کسانی به جهنم می‌روند که به حرف خدا گوش نکرده‌اند و بعد از انجام گناه، به جای توبه کردن، به انجام گناهان دیگری پرداخته‌اند.

آیا به نظر تو، نباید آدمی مثل یزید که امام حسین (ع) را با لب‌تشنه شهید کرد و فرزندان او را با تازیانه زخمی کرد و آن‌ها را در بیابان‌ها آواره ساخت، به جهنم برود؟





نمکپارچ

پشت کوه های حسن آباد

حسن آباد، آسمانی دیگر است
چشم دل بگشای و بنگر کاین جهانی دیگر است
حسن آباد، جمله دلها خون شده
حالت جمعیتی، از غصه دیگرگون شده
حسن آباد، زار و غمگین گشته ام
سالها دور از وطن، همچون اوشین، من گشته ام
گرچه می گویند هر سو امتحانت ساده بود
جای من اوشین، اگر بود، از نفس افتاده بود
هیچ اینجا تا سحر چشم کسی در خواب نیست
خاصه اینجا، چشم تر کمیاب نیست
در میان کوچه هایت، سینه ام پر آه شد
پیکر چون کوه من از غصه، همچون کاه شد
سلفی و آموزشی اینجا حکومت می کنند
کز جفا با بنده ابراز خصومت می کنند
شب که می آید چراغ هیچکس خاموش نیست
برق هم در می رود این روشنی مخدوش نیست
هیچ چشمی نیست کز شب تا سحر بیدار نیست
هیچ دانشجو در آن تا بوق سگ بیکار نیست
زیر نور شمع و فانوس، عده ای خر می زنند
عده ای از ناامیدی مشت بر سر می زنند
این یکی تا برگه تکلیف را پر می کند
چهره ی استاد درسش را تصور می کند
همچو جلاد یکه باشد در کفش شمشیر تیز
می نماید برگه ی تکلیف وی را ریز ریز
تا که دلخوش می کند از نمره بر ده درصدی
می دهد یک صفر و زیرش می نویسد "گف زدی"
آن یکی کوئیز دارد چهره پر غم می کند
صفر گرد و گنده ای دائم تصور می کند
آخرش در امتحان درس می گردد مچل
می شود در زیر تیغ درس استادان کچل
هر چه روز و شب در اینجا درس می خوانی
کم است

چهره ات از نمره اش اندوهناک و در هم است
آه، کز استادها روزم سیاه و تار شد
خاطرم اندوهگین و پیکرم بیمار شد
بهر استادان اگر ناراحتی پیدا شود
یک کلاس از سختگیری بی گمان، رسوا شود
چون "حنا در مزرعه" همواره بیگاری کشیم
روز، از استاد، خفت، شب گرفتاری کشیم
"بچه های آلپ" را دیدی که بس پر ماجراست؟
بچه ی فرهنگیان خواهران، همنام ماست

مریم بهزادی

شعر انوری در زمینه ی تاکید بر شوخ طبعی

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم * کاندل طلب راتب هر روزه بمانی
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز * تا داد خود از مهتر و کهتر بستانی

دو مورد از تفاوت های نسل ما با نسل امروز

مورد اول: (قدیم): پادشهی پسر به مکتب داد * لوح سیمینش بر کنار نهاد

بر سر لوح او نوشته به زر * جور استاد به ز مهر پدر

(امروز): کارمندی پسر به مدرسه داد * پول تحصیلش را کنار نهاد

روی کاغذی نوشت او با ماژیک * پول بهتر بود ز شیمی و فیزیک

(مورد دوم): (قدیم): پکیج تربیتی زمان ما شامل: دمپایی، فلفل، ۱ متر شلنگ، کمر بند

پدر، خاک انداز جهیزیه ی مادر و یک قاشق داغ بود؛ و الحق که خیلی کامل بود!

(امروزه): پکیج تربیتی امروزه شامل: لپ تاپ خفن با گرافیک بالا، گوشی با قابلیت

نصب انواع بازیها با دوربین n مگاپیکسل، اینترنت با سرعت n مگابایت و حجم دانلود

نامحدود!

آورده اند که ...

گوسپندی را گفتند که چون است که سگان و گرگان و روبهان سالی دو بار آبستن شده و در هر شکم، ورای ده توله سگ زایند و اینان را نه کسی بکشد بهر پوست و گوشت و نه کسی محبوس نماید از برای شیر و پشم؛ و بسی آزاد و حر می گردند و با این همه کم اند و ناپیدا، اما تو را که از زمانی که آدم ابوالبشر پوست پدر گوسفندت را قلفطی یا شایدم قلفتی، بلکه هم غلفطی کند، بهر لباس و ابراهیم خلیل سر جدت را پخی برید به جای اسماعیل ذبیح و مسلمان و نصارا و جهود و مجوس و گبر و کافر تا خرتناق و تا حد پوکیدن اهها و احشا، کباب دندهات می بلعند و جگر اوشین و زلیخا به سیخ می کشند و لنگ و پر و پاچه و سر و صورتت را پخته و تا استخوان سق می زنند، چگونه است که بازهم زیادید و گله ها از شما فراوان موجود و قیمتتان بس، افزون و دشت ها پر ز آواز شماست؟

پس گوسپند سر در آخوره کرد و مشتی علف به جویدن گرفت و دندان به دندانهای برگها بسایید و سپس پوزه در سطل آب فروبرده، قدر نصف قوطی کوکاکولا، آب را به دهان برده، گرداند و کمی قرقره نمود، همان را فروبرده، بعد گردن کشید و چشم در چشمان منتظر جوینده ی پاسخ دوخت و ندا درداد: «ببعععععع»

پس جویای جواب، قلم برداشته مرقوم فرمود چنان که: «چنین نتیجه می گیریم که با گوسپند جماعت نباید گفتمان نمود و لذا قص علی ماذا هذ». محمدامین میمندیان



تقلب

که درس آسان نمود اول ولی ماندیم در گِلها
 ز ترس و لرز مشروطی، چه خون افتاد در دلها
 جرس فریاد می‌دارد که جمعی کن کتابا را
 که حتما باشد او آگه، ز راه و رسم پاسخها
 کجا دانند حال ما اساتید و مصححها؟
 نهان کی ماند آن پاسخ که کردندش به کاغذها؟
 نکن رد و بدل برگه، به نزدیک مراقبها

علی عباسپور بحرانی (ماهر)

الا یا ایها الاستاد، ادر کاسا و ناولها
 به زنگ و التماس، استاد گره زان نمره نگشاید
 مرا در منزل بابا، چه امن عیش، چون هر دم
 به حرفش، برگه رنگین کن، گرت هر احمقی گوید
 قلم بی جوهر و لرز و سوالاتی چنین مشکل
 همه کارم ز خودرایی، به مشروطی کشید آخر
 حضوری گر همی خواهی، موفق در تقلبها

حقوق

طرح واریز حقوق ها چون که اجرا می شود
 شور و شغف و شادمانی، جمله بر پا می شود
 چون حقوق را گرفتی می شوی زین جا رضا
 هرچه قبلا زشت میخواندیش، زیبا می شود
 رو خدا را کن شکر و از کم و بیشش منال
 چون همان قطره است که گردد جمع، دریا می شود
 داغ داغند بچه ها، گرچه هوا این روزها
 از هوای گرم، کمی مایل به سرما می شود
 هرکه را ممکن نشد تا شیرینی گیرد ز ما
 حال که دادند حقوق دعوت به پیتزا می شود
 هر کسی تصمیم می گیرد کجا خرجش کند
 گاهی تصمیمش حتی سخت تر از تصمیم کبری می شود
 گوشی ساده نمی بینیم دگر قابل برای خویشتن
 هر که هم زین نوع داشت مایل به سودا می شود
 لیک دوستان، فکر پول تو جیبی با با کنید
 این حقوق، قطعا قطع از سمت بابا می شود
 با خبر چون شد پدر، رو به نزول است پول او
 بین بابا و پسر حتما که دعوا می شود
 رو بدو گوید پدر، زین پس خبر از پول نیست
 طرح این اقطاع پول، این ماه اجرا می شود
 چون که این ماه، آخرین تو جیبی اش را خرج کرد
 چند روزی غصه باز مهمان دل ها می شود
 چند ماهی که گذشت و احساس پولداری نمود
 با فکری که به سر دارد، در خانه بلوا می شود
 فکر دامادی کند هر کس که بگرفتست حقوق
 حق دارد، چون با همین اندک حقوق اوضاع مهیا می شود
 دست دولت را ببوسم من، که با این لطف او
 هر که از ما یک نفر بود دست، دوتا می شود

عباس کرامتی



غلبه بر ترس یعنی آزادی

روتر فورد



اگر رئیس جمهور

تمامی انشاها در کلاس درس، در حضور معلم و به قلم دانش آموز نگاشته شده است

«اگر رئیس جمهور می شدم؟» این سؤالی است که شاید هر فردی از هر قشری حداقل یک بار از خود پرسیده است. اصولاً جواب این سؤال شامل مجموعه دغدغه های فردی و اجتماعی هر شخصی است. دغدغه هایی که گاه می توان آن ها را در زندگی سایر افراد جامعه نیز مشاهده کرد و گاه صرفاً دغدغه ای شخصی است؛ اما وقتی این سؤال از یک کودک ده یا دوازده ساله پرسیده می شود، نگاه ها مجذوب این است که یک کودک چه دغدغه هایی برای کشور خود دارد و چه میزان نگاه او به مسائل جامعیت دارد.

آیا یک دانش آموز می تواند خود و مشکلاتش را مرکز ثقل یک جامعه نداند، نیاز جامعه را تشخیص دهد و حتی برای آن راه حل نیز ارائه کند؟

نگاه یک دانش آموز به مسائل کلان جامعه همچون سیاست خارجه چیست؟

با این پیش زمینه بخش هایی از پاسخ های دانش آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم ابتدایی تعدادی از مدارس شهر یزد را بررسی می کنیم تا عمق نگاه یک دانش آموز به لایه های پیدا و پنهان جامعه را بهتر تشخیص دهیم:

همانطور که می دانید کودکی شاکله و پایه و اساس وجود، نگرش، رفتارها و هنجارهای آینده هر شخص می باشد با توجه به این مسئله می توان در چند محور پاسخ های این دانش آموزان را بررسی کرد.

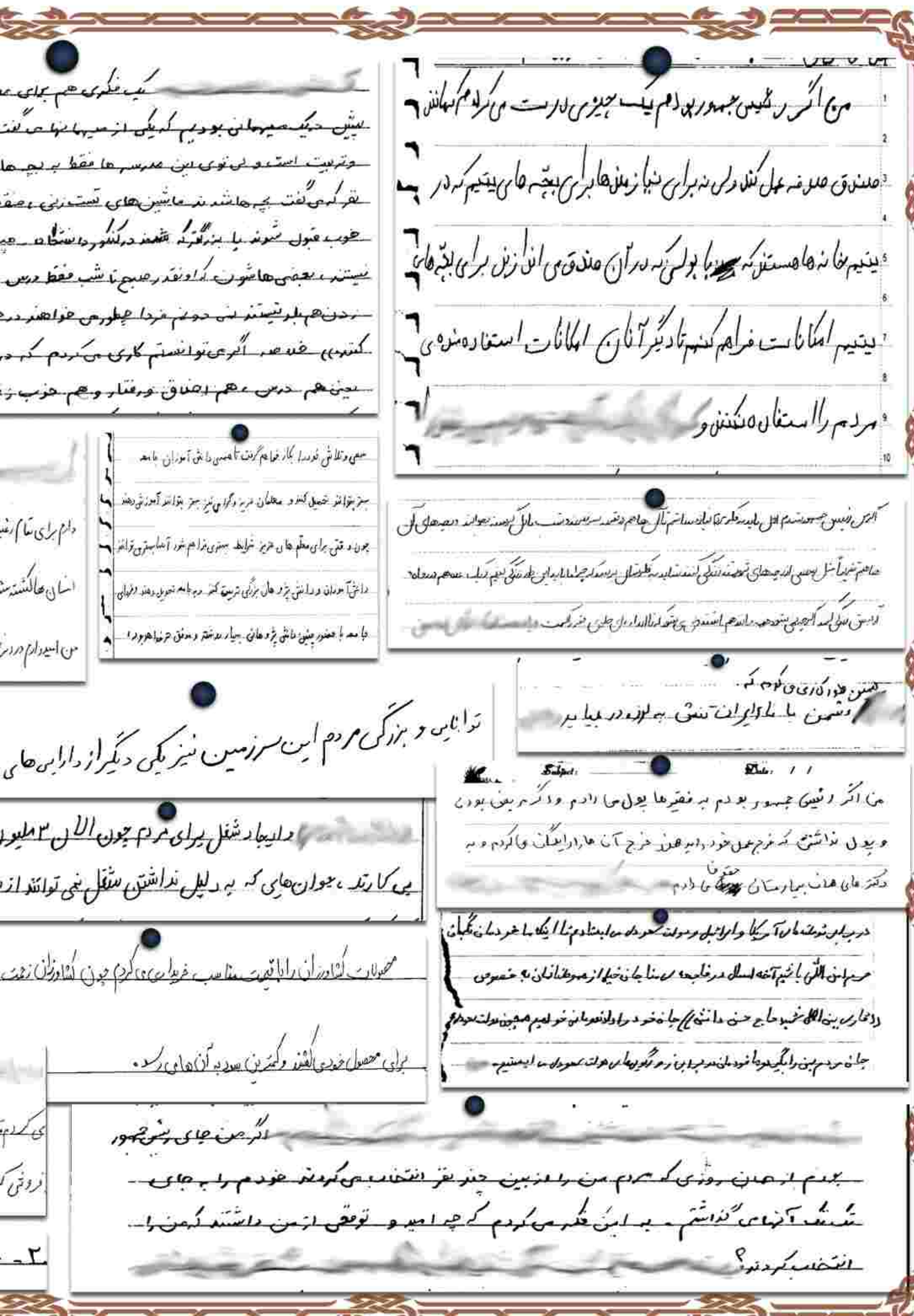
۱. فقر و کودکان بی سرپرست: مسئله فقر موضوعی است که در اکثر موارد در پاسخ های دانش آموزان به آن توجه شده است. این نگاه و نگرش که کودکان خواسته های جامعه و مشکلات جامعه را بر خود مقدم می شمارند یک نکته کلیدی و حائز اهمیت است؛ لذا این نکته همواره یکی از مهم ترین خواسته های رهبر معظم انقلاب از دانشجویان و آینده سازان کشور بوده است و

در آخرین دیدار خود با دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان نیز به آن اشاره کردند که: «اهداف عمومی را بر خواسته های شخصی مقدم بدارید» لذا این نگاه از یک دانش آموز که مشخصاً نمونه ای از عمل اوست بسیار جای خوشحالی دارد.

۲. توجه به خواسته های توده مردم و جوانان: مسئله ایجاد شغل از مهم ترین شاخصه هایی است که برای هر رئیس جمهور در اولویت قرار دارد و این بازخورد از یک دانش آموز نیز بر این مسئله صحه می گذارد که مسلماً وی هم در چارچوب خانواده خود این مشکل را لمس می کند که اطرافیان یا اعضای خانواده اش از این مشکل رنج می برند و او این را متوجه شده است. مسئله دوم، نگاه دانش آموز است که خود را جای تک تک افراد جامعه بگذارد و به مشکلات آن ها فکر کند و درصدد رفع آن ها برآید. مسئله سوم، شناخت دقیق یک دانش آموز ابتدایی از نقش مردم در جامعه است. «توانایی و بزرگی مردم این سرزمین از بزرگ ترین دارایی های آن است.» این رویکرد عملاً آن چیزی است که تمام حاکمان و رهبران جوامع در طول تاریخ بر آن تأکید داشته اند و افرادی که از این سرمایه استفاده نکرده اند مسلماً راه به جایی نبرده اند؛ پس می توان این گونه برداشت کرد که یک دانش آموز در سن دوازده سالگی به این مسئله رسیده است و از برنامه های مهم خود، این مورد را برمی شمرد که از جمله عوامل امیدبخشی است که آینده ای روشن را

همچون رئیس جمهور و نخبگان را ثمره ی تربیت معلم می داند به خودی خود بر این نکته تأکید دارد که زیر بنای توسعه ی جامعه به وسیله معلمین رقم می خورد و بر نقش غیر قابل انکار معلمین تأکید می کند. مسئله دوم فراهم کردن شرایط مناسب برای معلمین است تا بتوانند به خوبی دانش آموزان را تربیت کنند زیرا ثمره تربیت امروز را به وجود آمدن فردایی درخشان می داند و عملاً بر نقش بی نظیر معلمین در جامعه مهر تایید می زند. مسئله سوم توجه به ضعف های نظام آموزش و پرورش است که رویکردی کاملاً علمی را می پیماید و دانش آموز در قبال

نوید می دهد. ۳. نقش معلمین و نظام آموزش و پرورش: اینکه یک دانش آموز تمام مسئولان و افرادی که باید در جامعه نقش ایفا کنند



ورمی شدم!!

توافق هسته‌ای نیازمند فعل بیرونی (چند نکته بعد از ظریف)

بالاخره آنچه همه منتظرش بودند صورت گرفت؛ توافق با کشورهای بزرگ دنیا، اما ما می‌خواهیم فارغ از نقد این توافق به مسائل جنبی و مرتبط با آن بپردازیم؛ و اما یک سؤال بزرگ: آیا در کشور ما، همه مشکلات، به خاطر تحریم‌ها بود؟

مسئله‌ای که امروز با عنوان سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش است اشاره دارد.

مسئله‌ای که امروز با عنوان سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش است اشاره دارد. به قاطعیت نمی‌توان گفت پس از لغو تحریم‌ها، مشکل بی‌کاری جوانان یا کمبود آب و یا روند نابودی تولید داخلی، حل می‌شود. اگر با چشمانی باز نگاه کنیم، بیشتر از آنکه غرب و تحریم‌ها در این چند ساله به ما ظلم کرده باشند، خودمان به خودمان جفا کردیم. سرنخ‌های رهبر معظم انقلاب، با استفاده از کلماتی چون اقتصاد مقاومتی یا مدیریت جهادی، گوشزد می‌کرد لغو تحریم، کلید حل همه مشکلات نیست.

تیم مذاکره‌کننده خارجی کار خود را انجام داد، حال نوبت آن رسیده تا تیم عمل‌کننده داخلی هم کار خود را به نحو احسن انجام دهد. دست زیاده خواهان داخلی، همچون دست زیاده خواهان خارجی، باید از معیشت مردم کوتاه شود.

همان زندگی جزی عقیده و جهاد نیست امام حسین (ع)

ایمان دهقانی اشکذری

روسای جمهور جهان را نصیحت می‌کند که صلح را مدنظر قرار دهند و همچنین اشاره به فاجعه منا، ظلم حکام سعودی را محکوم و آرزوی آزادی حرم امن الهی را از دست این ظالمان می‌کند که حاکی از نگرش انقلابی و اسلامی جامعه و ایستادگی در برابر ظلم است.

۵. توجه به مسائل اقتصادی، فرهنگی، علمی، کشاورزی و حتی مبارزه با فساد نیز از سایر دغدغه‌ها و مسائلی است که دانش آموزان به خوبی مطرح می‌کنند. افزایش فرهنگ کتاب-خوانی، جلوگیری از واردات بی‌رویه، توجه به مشکلات کشاورزان، توجه به نقش دانشمندان و نخبگان برای رشد جامعه و کوتاه کردن دست سودجویان از بیت-المال از مواردی است که بیش از پیش عمق نگاه یک دانش‌آموز ابتدایی را به

مسائل جامعه مشخص می‌کند. اما تمام این موارد بر این مسئله بیش از پیش تأکید می‌کند که تربیت سیاسی باید به عنوان یک وجه مهمی از تربیت در مدارس و نظام آموزشی در نظر گرفته شود، زیرا پایه‌گذاری نگرش یک دانش‌آموز در چنین فضاهایی گذاشته می‌شود و بهترین زمان برای اثرگذاری و نهادینه کردن ارزش‌های سیاسی یک نظام در این مرحله است و باید به این جنبه توجه جدی شود. به امید روزی که کشورمان از تمام مشکلات مصون و بیش از پیش به سوی هدف متعالی خود حرکت کند.

۴. اقتدار و ظلم‌ستیزی: اقتدار مسئله بسیار مهمی است که از دید یک دانش‌آموز پنهان نمی‌ماند. «کاری می‌کردم دشمن بانام ایران تنش به لرزه دربیاید»، این جمله آرمان یک دانش‌آموز و کودک است که دنبال اقتدار و سرافرازی کشورش است و بسیار حائز اهمیت است که این نگرش در او شکل گرفته است. اشاره به این هدف بسیار آرمانی که «روزی فرارسد که خارجی‌ها به جای دلار پول ما را خرید و فروش کنند» هرکسی را به تحسین این هدف وامی‌دارد. در بحث ظلم‌ستیزی نیز کودک با اشاره به مسئله کشورهای عراق و فلسطین و کشتار



از پدر کر قالب تن یا قسیم

معلم

از جان روشن یا قسیم

نَفَس

نادره



شاید اوج بزرگی این مرد را بتوان در این کلام یافت که در دوران ریاست جمهوری می گفت: «دوره گردی مرا یادم بیاورید، من همان محمد قابلمه فروش هستم، مباد یادم برود که بوده ام». این فروتنی حاکی از نگرش، اخلاص و تربیتی سیاسی اسلامی است که او را مثال کاملی از عمل به نهج البلاغه قرار می دهد که کتاب تربیت و سیاست حقیقی است.

نقل است که سخن همیشگی این شهید عزیز، بر بالای ورقه های امتحانی دانش آموزان این جمله بوده است: «خواهی نشوی رسوا، همرنگ حقیقت شو» باین حال تمام خاطراتی که ذکر شد، بخش کوچکی از زندگی درخشان این معلم شهید هم نمی باشد اما سراسر، درس است برای هر فردی که می خواهد در این جامعه، مسئولیتی ایفا کند؛ از جمله معلمین که زیر بنا و شاکله تعلیم و تربیت جامعه هستند و سیاستمدارانی که زمامدار امور مردمند.

اما پایان بخش سند انسانیت و بزرگی این طلیعه عشق را با وصفش از معلمی همراه می کنیم: «معلمی عشق است، اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد».

علی اصغر شریفی

۴۰ ساعت در هفته کار می کرد و تدریس در مدارس پایین شهر تهران، با حقوق ۳۸ تومان را به پیشنهاد تدریس در مدارس شمال تهران با حقوق ۱۰۸ تومان ترجیح داد. در پاسخ به رد کردن مدال تقدیر، به عنوان معلم نمونه، این چنین زیبا پاسخ می دهد: «از نظر من اگر دانش آموزی به هنگام تدریس، درسش را فهمید و لبخند رضایت بر لبانش نقش بست، همان مدال من است». این اخلاص و ساده زیستی در دوران وزارت، نخست وزیری و ریاست جمهوری نیز همواره همراه او بود.

شهید بهشتی پس از مطرح شدن نام شهید رجایی برای تصدی نخست وزیری، این گونه او را وصف می کند: «اگر رجایی نخست وزیر باشد، آن وقت می داند که درد دردمندان چیست؛ چون خودش پابرهنه بوده است، می تواند برای پابرهنه ها کار کند» و نخستین مصوبه او پس از نخست وزیری این وصف را به واقعیت بدل می کند که «وزرا در وزارتخانه ها بگردند و ساده ترین و کوچک ترین اتاق را به عنوان اتاق وزیر انتخاب کنند تا حب میز و مقام پیدا نکنند». واکنش همیشگی او به خسته نباشیدهایی که اطرافیان می گفتند، این جمله زیبا و مخلصانه بود: «کسی که برای خدا کار کند، خسته نمی شود».

معلم شهید، محمدعلی رجایی، قطع به یقین نمونه کامل فردی است که تربیت سیاسی، به طور حقیقی در او متجلی شده است. تربیتی سیاسی که بر خواسته از وجود و نگرش متعالی اوست و از معلمی تا ریاست جمهوری، همواره در عمل او مشهود و هویداست. عملکردی که بعد از ۳۳ سال از شهادت وی، همچنان او را به عنوان یک انسان تراز انقلاب اسلامی، از دیگران متمایز می سازد.

در نگاهی که به زندگی پرفراز و نشیب ۴۸ ساله وی می اندازیم، پر است از برگ های زرین تربیت و انسانیت که هر فرد حقیقت جو را مجذوب خود می کند.

وی با راهنمایی های آیت الله طالقانی، معلمی را برگزید و تا آخرین لحظه ی حیات پربرکت خویش که در مسند ریاست جمهوری بود، خود را معلم می دانست و در آن سطح هم به تربیت و تعلیم انسانیت می پرداخت. به عقیده ی همسرش، او دنیا را سه طلاقه کرده بود و حتی در دوران ریاست جمهوری نیز، با ابلاغ حقوق معلمی، زندگی کرد، ساده زیستی، حقیقتاً رکن اصلی زندگی او بود. معلمی خود را آن چنان با اخلاص انجام می داد که به جای ۲۲ ساعت موظف بودن به تدریس،



بدبختی انسان از چهل نیست از تنبلی است

دیل کارنگی



دوربین معلم



ایمان برزگری، میلاد شجاعی
دبستان دخترانه احرامیان



ایمان برزگری
دبستان پسرانه صالحین



ایمان برزگری
دبستان پسرانه صالحین



سیمنا السادات سجادی



ایمان برزگری
دبستان دخترانه احرامیان



هانیه السادات قریشی



ایمان برزگری
دبستان پسرانه صالحین



ایمان برزگری
دبستان پسرانه صالحین



سجاد ساردوئی



زهرا فاضل



اهمیت صرف صبحانه برای دانش آموزان



صبحانه یکی از وعده های اصلی غذایی می باشد که متأسفانه بسیاری از افراد در جامعه ی ما به اهمیت آن آگاهی ندارند. معمولاً غدد ترشح کننده بزاق که فعالیت آن ها لازمه ی بروز اشتها می باشد یک یا چند ساعت پس از بیدار شدن ما از خواب فعال می شوند. به عبارتی هنگام صرف صبحانه این غدد از توانایی کافی برای تسهیل غذا خوردن و ایجاد اشتها برخوردار نیستند و همین علت اصلی عدم صرف صبحانه در بسیاری از افراد است این در حالی است که موثر ترین روش برای فعال کردن آن ها شروع به خوردن می باشد و معمولاً پس از صرف چند لقمه فعالیت غدد شروع میشود و ضروری است هر فرد با صرف صبحانه و تحریک اشتها سلامتی خود را تضمین نماید. عدم مصرف صبحانه عوارض متعددی را ایجاد می کند. از قبیل افت قند خون در ساعات اولیه ی روز که باعث کاهش فعالیت مغزی و کاهش یادگیری فراگیر همچنین حواس پرتی و عدم تمرکز و خستگی زود رس و کم حوصلگی و بی تفاوتی دانش آموز نسبت به نمره و درس و .. میشود. در خصوص بهترین زمان صرف صبحانه نظریه ی ثابت شده ای وجود ندارد ولی در بیشتر موارد بهترین زمان را یک ساعت پس از بیدار شدن بیان میکنند.

در مورد صبحانه نخستین نکته خوردن نان است. البته مصرف نان سبوس دار مانند نان سنگک در میان نان های سنتی و نان های تیره در میان نان های حجیم امروزی، توصیه می شود. این ماده غذایی جزو اصلی صبحانه است که با تأمین کربوهیدرات روزانه تا حدودی انرژی مورد نیاز بدن را تأمین خواهد کرد.

یکی از مهم ترین نوشیدنی های مغذی برای این وعده صبحگاهی شیر است البته مصرف نوع کم چرب آن پیشنهاد می شود. همچنین عسل هم بسیار مقوی است. این ماده غذایی در خانواده قندها جای می گیرد و بر مصرف مربا ارجحیت دارد. خوردن پنیر به خاطر ارزش غذایی بالا در وعده ی صبحانه توصیه می شود. البته نوع کم نمک و کم چرب آن توصیه می شود. یکی از اجزای چرب صبحانه گردو است که سرشار از اسیدهای چرب امگا سه بوده و خوردنش حتی برای افرادی که کلسترول بالایی دارند نیز نجات بخش است.

از اجزای مملو از قند ساده برای میز صبحانه، مربا است که هر قاشق مرباخوری اش یک واحد قند محاسبه می شود. در مجموع بهتر است که قندهای ساده را برای این وعده انتخاب نکنید؛ چراکه به دنبال افزایش قند خون، افت آن و بروز گرسنگی حتمی خواهد بود. یکی دیگر از اجزای پروتئینی صبحانه تخم مرغ است که آن را به صورت آب پز، عسلی، نیمرو یا حتی املت میل می کنند. لازم است یادآور شویم که نوع آب پز آن برای افرادی که محدودیت دریافت انرژی دارند، توصیه می شود. بهتر است از نوع عسلی آن صرف نظر شود؛ چراکه امکان آلودگی به میکروب سالمونلا در آن بالاست. نوع نیمروی آن به دلیل سرخ شدن در روغن برای افرادی که کمبود وزن دارند، بهتر است.

هما زارع بیدکی



چه کسانی به دیابت مبتلا می شوند؟

همه افراد ممکن است به دیابت نوع دوم دچار شوند. با این وجود، عواملی وجود دارد که ممکن است شما را در خطر بیشتر ابتلا به بیماری قرار دهد. این عوامل عبارتند از: تجمع چربی در اطراف کمر و معده، کم تحرکی و انجام ندادن حرکات ورزشی، وزن بیش از حد، سن بالای ۴۵ سال، سابقه دیابت نوع دوم در خانواده و...

چند نکته برای پیشگیری



از دیابت:

تغییر سبک زندگی می تواند یک قدم بزرگ به سمت پیشگیری از دیابت باشد و هیچوقت برای شروع دیر نیست. این نکات را در نظر داشته باشید.

۱. فعالیت بدنی بیشتری داشته باشید.
۲. فیبر فراوان بخورید.
۳. تا می توانید غلات کامل مصرف کنید.
۴. اضافه وزن را کم کنید.



آیا دیابت قابل کنترل است؟

شما می توانید دیابت خود را در مراحل اولیه، بدون دارو و تنها با مراقبت دقیق از خود، کنترل کنید. اما اگر دارو مصرف می کنید، باز هم باید از خودتان مراقبت کنید زیرا در این صورت، مصرف دارو نتایج بهتری به دنبال خواهد داشت. مواردی که در کنترل دیابت باید رعایت کنید، عبارتند از: اینکه: خوب و به موقع بخورید، به خاطر بسپارید که چه می خورید، چه زمان می خورید و چه مقدار می خورید. بهترین شیوه تغذیه برای افراد مبتلا به دیابت، تناول پیوسته غذاهای سبک و مناسب است. سه تا چهار بار در هفته ورزش کنید. ورزش کردن به کنترل وزن شما کمک خواهد کرد. همچنین سلولها را به مصرف قند وادار می کند و از بیماریهای قلبی جلوگیری می نماید.

علائم دیابت

دفع ادرار بیش از حد معمول، به خاطر تلاش بدن برای پاکسازی قند اضافی خون، احساس تشنگی فراوان به علت نیاز بدن به جایگزینی مایعات از دست رفته، تاری دید

مصاحبه با دکتر رضایی اردانی

(سرپرست محترم پردیس شهیدان پاکثراد یزد)

با سلام و عرض خسته نباشید

(۱) تا به الان از عملکرد خود راضی هستید؟

دو سال است که به عنوان رئیس پردیس انتخاب شدم، تلاش کردم موفق باشیم و برای رسیدن به اهداف دانشگاه در حوزه‌های مختلف شبانه‌روز تلاش کردیم. از خرد جمعی استفاده کردیم و سعی کردیم بر اساس منشوری که آقای مهر محمدی برای ما معین کردند پیش برویم و شاید ۷۰٪ موفق بوده‌ایم.

(۲) قبل از ریاست چه اهدافی داشتید و تا الان که مدتی از ریاست شما می‌گذرد تا چه اندازه‌ای به اهداف موردنظر خود رسیده‌اید؟

به اهداف صددرصدی که در ذهنم بود نرسیدم که البته کمی از نرسیدن آن به مشکلات ریشه‌ای دانشگاه برمی‌گردد. همش را هم نمی‌توان به حساب خود گذاشت، ما تلاش خود را کرده‌ایم. بیشتر از این یا ما توان آن را نداشتیم، نتوانستیم و به نظر می‌رسد زیرساخت‌های لازم برای دانشگاه فراهم نبوده است. سعی کردیم در این دو سال بدیهیات اولیه یک دانشگاه را فراهم کنیم و سعی کردیم این روحیه را برای مسئولین، کارکنان و دانشجویان ایجاد کنیم که اینجا مرکز تربیت معلم سابق نیست، اینجا دانشگاه فرهنگیان است باید همه چیز دانشگاهی باشد، دانشجوی ما خود را دانشجویی بداند که حرفه مقدسی را پذیرفته است.

(۳) فرض کنید شما قراردادی را امضا می‌کنید بعد از چند وقت یک‌بندی را به آن اضافه می‌کنند که به ضرر شماست آیا اجازه می‌دهید؟

سؤال شما مقدمه طرح سؤال برگزاری آزمون جامع است، قانون استثنا هم دارد. هر قانونی که در کشور تصویب می‌شود موقع اجرا متوجه می‌شوند که در آن اشکالی وجود دارد و باید دوباره به مجلس برگردد تا به الان لایحه‌ای اضافه کنند. زمانی شما تعهدنامه را امضا کردید آزمون جامع در آن نبوده است اما یک سری نکات کلی وجود داشته و آن رسیدن به توانمندی‌ها و شایستگی‌های خاص در دانشگاه می‌باشد، پس شما باید به مسئولین حق بدهید تا این قضیه را جبران کنند تا کیفیت آموزش بالا برود.

نکته قابل توجه آن است که برای ورودی‌های ۹۱ سخت‌گیری‌ها کمتر است و به آن‌ها به

چشم ارفاق و اغماض نگاه می‌شود و آن‌ها هنوز وقت دارند تا کمیوندهای پوشه‌ی فرهنگی خود را جبران کنند، اما در صورت اجرای این آزمون شکی نیست؛ ضمن اینکه دولت برای اینکه دانشگاه هزینه‌ی زیادی می‌کند باید با اجرای این آزمون از تحقق اهداف موردنظر مطمئن شود، قطعاً دانشجوی هم خود را با این شرایط وفق می‌دهند و به شایستگی‌ها و تخصص بهتری می‌رسد.

(۴) اگر از مقامات مافوق به شما ابلاغ شود که دانشگاه فرهنگیان از این به بعد به صورت مختلط شروع به کار کند، نظر شما در این باره چیست؟

دانشگاه فرهنگیان از اصل و اساس یک دانشگاه تک جنسیتی تعریف شده و باید تابع اساسنامه دانشگاه باشیم. ما در جلسه‌ی اخیر مقام معظم رهبری که حضور داشتیم، ایشان فرمودند: بعضی-ها کار فرهنگی کردن در دانشگاه را با برگزاری کنسرت و اردوهای مختلط اشتباه گرفته‌اند، کار فرهنگی این نیست، مگر غربی‌ها از اختلاط جنسیتی چه بهره‌ای برده‌اند که ما ببریم. اختلاط جنسیتی زمینه‌های گناه را فراهم می‌کند.

رهبر معظم انقلاب با اختلاط جنسیتی و برگزاری کلاس و کنسرت‌های مختلط مخالف بودند و ما باید تابع باشیم اما اگر روزی مسئولین نظام به این نتیجه برسند که دانشگاه فرهنگیان تک-جنسیتی نیست و کلاس‌ها می‌تواند به صورت مختلط برگزار شود همه مسئولین و دانشجویان باید تدابیری اتخاذ کنند که حواشی بد آن کم شود. من خودم به عنوان معلم، با اختلاط دختر و پسر مخالفم زیرا فضای احساسی بر کلاس حاکم می‌شود و فضای علمی و منطقی حاکم نیست و حواشی آن بیشتر می‌شود.

و حواشی آن بیشتر می‌شود.

(۶) نظرتان را در مورد جمله‌های زیر بگویید:
۱- کسر حقوق ۴۵٪ از حقوق دانشجوی مجرد غیر خوابگاهی

شما درست می‌گویید. واقعاً کسانی که از امکانات موجود دانشگاه استفاده نمی‌کنند نباید بهایی بپردازند؛ اما دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه مأموریت‌گرای شبانه‌روزی است. دانشجوی چه بومی و چه غیربومی باید در خوابگاه‌ها بماند، از امکانات موجود آن استفاده کند، با سبک زندگی خوابگاهی آشنا شود و بعد از چهار سال انسانی شود که برای زندگی اجتماعی و زندگی معلمی آماده است؛ اما در جواب شما این قانون مصوب مجلس است و باید پیشنهاد داده شود تا مجلس به تبصره‌ای برسد تا از افراد مجرد غیر خوابگاهی کم نشود؛ اما شما حق دارید که نامه بنویسید به سازمان مرکزی تا این قانون اصلاح شود و یا می‌توانید در خوابگاه بمانید و از امکانات آن استفاده کنید.

(۲) استفاده از فضای مجازی

فضای مجازی یک امر اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان فضای مجازی را فیلتر یا محدود کرد؛ اما با استفاده از آن قوانین و مقررات خاص خود را دارد. شاید برای شخص عادی که در جامعه زندگی می‌کند، مهم نباشد چه بنویسد و چه ببیند؛ اما برای دانشجومعلمی که در آینده سرنوشت هزاران دانش‌آموز را در دست می‌گیرد باید به نحو مطلوب از آن استفاده کند.

فضای مجازی بهترین فرصت است که از دانش و تجربه‌ها و پژوهش‌های دیگران در راستای اهداف اسلامی، اخلاقی و انسانی استفاده کند.

اما معلمان باید در استفاده از فضای مجازی مراقبت کنند تا شأن و شئون معلمی زیر سؤال نرود. باید نیروی خودکنترلی داشته باشیم تا از آن به نحو مطلوب استفاده کنیم و از سوءاستفاده نشود.

مصاحبه‌کننده: زهرا عبدلی



ویژگی های معلم از منظر خانم دکتر ناظمیان (سرپرست محترم پردیس حضرت فاطمه الزهرا (س) یزد)

روشنایی ببخشد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید: یا موسی اگر ما در تو سوز نمی دیدیم تو را برای پیامبری بر نمی گزیدیم.

از دیگر صفات یک معلم موفق، هماهنگی رفتار با علم و گفتار اوست و همواره بکوشد تا آگاهی خود را ابتدا خودش بکار گیرد. سخنی که از دل برآید بر دل نشیند، و هر چه این هماهنگی بیشتر و نزدیک تر باشد، تاثیر صحبت های معلم بیشتر خواهد بود. اخلاق حسنه داشته باشد. تیغ اخلاق حسنه بسیار برنده است. همه ی شاگردان، بدون اختیار تحت تاثیر اخلاق و رفتار معلمان خود قرار می گیرند و به آن سمت کشانده می شوند. امام جعفر صادق (ع) می فرماید: مردم را با اعمال و رفتار خود به خوبی ها دعوت نمایند نه با زبان خود.

به محبت دارد. این محبت همانند دارو است زیادش مضر و زیان آور و کمش هم همینطور، یعنی کارساز نخواهد بود. در هر صورت معلم باید محبت را همانند دارو به موقع و به مقدار مصرف نماید. کاری که یک لبخند ساده انجام می دهد. از تنیدی و تیزی ساخته نیست و معروف است که با محبت خارها گل می شود، یعنی سختی ها و دشواری ها با یک لبخند و با یک تبسم ملیح به آسانی از بین می رود.

صداقت در گفتار و کردار داشته باشد. از امام باقر (ع) چنین روایت کرده اند که فرمود آنچه را می دانید به زبان آورید و درباره مطالبی که از آنها آگاهی ندارید، بگویید خدا دانا تر است. و از امام محمد باقر (ع) پرسیدند، حق خداوند بر بندگانش چیست؟ فرمودند: آنچه می دانند بگویند و درباره چیزهای که نمی دانند سکوت کنند. معلم باید نسبت به شاگردانش سوز داشته باشد و همانند شمع بسوزد و به دیگران

معلم باید اخلاص داشته باشد، یعنی در واقع کاری که انجام می دهد برای خدا باشد و در قبال انجام هر کاری توقع ستایش و تعریف و تشکر نداشته باشد و تقاضای اجر و پاداش از کسی نکند؛ یکی از بزرگان می گوید اخلاص آن است که چون عمل کنی، دوست نداشته باشی تو را بدان یاد کنند و بزرگ دارند و طلب نکنی ثواب عمل خویش از هیچکس، مگر از حق تعالی. معلم باید تواضع و فروتنی داشته باشد و خود را مزین به زینت تواضع و فروتنی نماید و مانند درخت میوه دار باشد، که هر چه میوه اش بیشتر سرش پایین تر است. علم نباید برای او مجاب شود و معلم در برابر مردم به ویژه شاگردانش در نهایت فروتنی باشد و اظهار منت نکند.

معلم باید با محبت باشد؛ محبت بسیاری از مشکلات بر سر راه تعلیم و تربیت را از بین می برد. به خصوص کار فکری و فرهنگی نیاز

روش های انشائویسی با بازی

روش تصویر یابی

به این صورت که تصویری را روی تابلو می چسبانیم یا از تصویر کپی گرفته و به تعداد دانش آموزان می دهیم و از دانش آموزان می خواهیم هر چیزی را که در تصویر می بینند با یک خط به بیرون کشیده و نام آن را بنویسند. بعد از اینکه همه شکل ها مربوط به تصویر نام گذاری شد از دانش آموزان می خواهیم با هر یک از کلمات جمله بنویسند. در نهایت جملات را کنار هم قرار دهند و یک متن بسازند.

گردآوری و تلخیص: مهدی حیدری

خلاصه نویسی

داستان کوتاهی برای دانش آموزان خوانده می شود و از آن ها می خواهیم تا خلاصه داستان را در چند جمله بنویسند.

روش پازلی

تعداد محدودی جمله را در ارتباط با یک موضوع به صورت جابه جا در اختیار دانش آموزان قرار داده و از آن ها می خواهیم آن ها را مرتب کنند.

روش تصویر خوانی

چند تصویر مرتبط باهم را به دانش آموزان می دهیم ضمن اینکه از آن ها می خواهیم تصاویر را مرتب کنند، سپس عبارت کوتاه (داستانک) بیان کنند.

انشای گسترشی

در این روش معلم یک جمله را می گوید و دانش آموزان با استفاده از درک خود انشا را گسترش می دهند.

به عنوان مثال: شیری در جنگل زندگی می کرد ناگهان ... و ادامه آن را دانش آموزان تعریف می کنند.

روش کیسه جادویی

در این روش آموزگار، تعدادی شیء را در کیسه قرار داده و از سرگروه های دانش آموزان می خواهد که تعدادی از اشیاء را از کیسه خارج کرده و هر گروه با توجه به اشیایی که در اختیارشان قرار گرفته جمله بسازند، حتی می شود اشیاء در ارتباط با درس های دیگر باشد.

مثال: ریشه ساقه برگ از درس علوم

بازی با تاس

دانش آموزان به گروه های دلخواه تقسیم شده و هر کدام ب صورت تصادفی شماره گذاری می شوند (در صورتی که تعداد بچه ها از شش نفر بیشتر باشد می توان از تعداد تاس های بیشتری استفاده کرد) ارتباط با موضوع جمله بسازد.





شیرین ترین خاطره یک معلم

آموزگار؛ زهرا حجت متولد سال ۱۳۵۱ هجری شمسی با مدرک لیسانس در رشته آموزش ابتدایی با ۱۸ سال سابقه کار در آموزش و پرورش شهرستان میبد از خاطرات شیرین دوران معلمی خود می گوید.

سال ۱۳۷۱، اولین سالی بود که در پایه اول، مقطع ابتدایی تدریس می کردم. وقتی وارد کلاس شدم با چشمان کنجکاو دانش آموزانی مواجه شدم، چشمانی که با من صحبت می کردند و می گفتند ما آماده ای آموختن علم هستیم، چشمانی که نشان دهنده معصومیت و پاکی آن ها بود و حتی از آن چشم ها می توانستم بخوانم که ذهنشان دور از علم و فقط به دنبال بازیگوشی و شیطنت است. با خودم می گفتم: «آیا می توانم آن ها را که حتی دست راست و چپ خود را هم تشخیص نمی دهند و غرق در دوره ی کودکی خود هستند، به مسیر علم و دانش هدایت کنم؟»

با این سؤالی که در ذهنم بود تمام روزهای سال را

پشت سر گذاشتم و وقتی به خودم آمدم دانش آموزانم را سر جلسه امتحان، جلوی برگه های سفید خطدار املا دیدم که چگونه با شوق و ذوق تمام شروع به نوشتن کرده اند. بعد از تصحیح امتحان و دیدن نمرات باورم نمی شد که این نمره ی همان دانش آموزانی است که آن ها را در ابتدای سال می دیدم. دانش آموزان بازیگوشی که در طول این سال با من بودند، حال تمام حروف را آموخته اند و می توانند بخوانند و بنویسند، آن هایی که هیچ شناختی از علم نداشته، الان برای خود معلم، دکتر و مهندس و... شده اند و باعث افتخار کشور خود شده اند. این بهترین و لذت بخش ترین خاطره من است.

همه ی معلمان دلسوز سرزمین ما لایق ستایش هستند و آن ها مثل یک پرستاری هستند که از روح و جسم ما مراقبت می کنند. معلمان شغل انبیا را ادامه می دهند. آن ها آینده سازان ملت ما هستند. قدر آن ها را بدانیم.

محمدرضا دهقانی

بازی و ترفندهای تقویت حافظه

ما به سفر می رویم

به دانش آموز بگویید می خواهیم به مسافرت برویم و به صورت خیالی وسایل خود را در چمدانی جمع کنیم. اما از او بخواهید وسایلی را نام ببرد که برای مثال با حرف "الف" شروع می شوند مانند: «من آینه و آدامس را برداشتم تا در چمدان بگذارم». سپس به سراغ حرف دیگری بروید و کار را ادامه دهید. می توانید بازی را از ابتدا با حروف الفبا شروع کنید مثلاً «من به مسافرت می روم و آینه، برس، پاک کن و... را با خود بر می دارم». بنابراین می توان با استفاده از تخیل، بین کلمات ارتباط برقرار کرد و از این طریق مهارت حفظ کردن را پرورش داد.

چه چیزهایی دیده اید؟

این بازی موجب سرعت بخشیدن به قدرت مشاهده ی دانش آموزان می شود. ده الی دوازده شی که ارتباطی با هم ندارند، مانند: دستبند، ماشین، سکه، دکمه، ساعت مچی و... درون یک سینی قرار دهید و دستمالی روی آنها بکشید. سینی را مقابل دانش آموز قرار داده و دستمال را بردارید و بگویید به مدت یک دقیقه با دقت اشیا را نگاه کند و به خاطر بسپارد. سپس دوباره دستمال را روی آنان بکشید و بخواهید آنچه را مشاهده کرده است روی کاغذ بنویسد. پس از نوشتن، از او بپرسید چه روش و ترفندی برای به خاطر سپردن آنها استفاده کرده است.

مینا قانع، مائده نعمت الهی، عارفه اسدی

می تواند او را در برقراری ارتباط مؤثر موفق گرداند. از فریاد زدن، نگاه های تهدیدآمیز، تحقیر، تعبیر نیش دار و... خودداری کنید. یافته ها نشان می دهد که مشکلات انضباطی فراگیران در نتیجه ارتباط مطلوب شاگرد و مدرس کاهش می یابد.

منابع:

۱. پیریایی، حسین. (۱۳۸۹). مدیریت یادگیری در کلاس درس
۲. مرتضوی زاده، سید حشمت الله. (۱۳۸۷). مدیریت کلاس درس و روش های آن
۳. رضایی، حبیب الله؛ حقانی، فریبا. (۱۳۹۴). فنون مدیریت کلاس، راهنمایی برای اداره کردن کلاس درس

فائزه طایفی

چند راهکار مؤثر در اداره ی کلاس درس:

۳- مدیریت عدالت و ایجاد انگیزه: یکی از دلایل شایع که به وسیله ی فراگیران خاطی به عنوان دلیلی برای رفتارهای نامناسبشان نقل می شود، این است که معلم هیچ ارزش و احترامی برای آنان قائل نیست. برخورد و نگاه عادلانه و توجه به تک تک دانش آموزان باعث می شود شاگردان احساس کنند همیشه مورد توجه معلم قرار دارند. لذا کمتر به فعالیت های حاشیه ای می پردازند.

۴- مدیریت رابطه ها: ارتباط و تعامل معلم و دانش آموز یک معیار مهم در مدیریت کلاس درس است. برقراری ارتباط دوطرفه باعث می شود در تمام طول زمان تدریس فراگیر با معلم ارتباط داشته باشد و وقت خود را صرف پارازیت های بی مورد نکند. یک معلم موفق در فرایند فعالیت های آموزشی باید سعی در شناخت فراگیران خود داشته باشد زیرا شناخت استعدادها، توانایی ها، علایق و رغبت فراگیران

۱- تثبیت خود در اولین جلسه درس: یک شروع خوب از سوی معلم می تواند از وقوع بسیاری از مشکلات و بی نظمی ها جلوگیری کند؛ بنابراین شمای معلم باید تمام انرژی خود را به کار ببندید تا اولین جلسه ی تدریس شما بهترین جلسه در طول سال تحصیلی باشد. بهتر است در آغاز به طور رسمی با دانش آموزان برخورد شود و به تدریج با آنها صمیمی تر شد. اگر در اولین جلسه نشان دهید که معلم موفقی هستید چنانچه در طول سال دچار مشکل شدید، هنوز هم تصویر مثبت اولین جلسه تدریس شما در ذهن دانش آموزان وجود دارد.

۲- تعیین مقررات کلاسی: لازم است معلم در ابتدای سال تحصیلی و در اولین جلسه با تشریح قوانین برای فراگیران یک قرارداد دوطرفه ولی نانوشته بین خود و دانش آموزانش منعقد کند.



چکیده مقالات علمی

اصول تعلیم تربیت در اسلام

هریک از نظام‌های تربیتی اهداف خاصی را مدنظر دارند و همه فعالیت‌های خود را برای تحقق آن‌ها معطوف می‌دارند. در تربیت اسلامی، هدف اساسی و غایی تربیت، الهی شدن آدمی است. برای رسیدن به این هدف، استعدادهای عالی انسان که در خلقت او قرار داده شده است باید رشد کند و فعلیت یابد. فعالیت‌های تربیتی از جمله فعالیت‌های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکارناپذیر دارد. این فعالیت‌ها برای تحقق اهداف موردنظر، تابع اصل یا اصولی است. مشخص کردن اصول تربیت از جمله اقدامات اساسی است که باید قبل از هر کاری انجام پذیرد. اصول تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در دانش تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. در فلسفه تعلیم و تربیت، می‌توان درباره تعریف اصول، استنتاج آن‌ها از مبانی تعلیم و تربیت و چند اصل از تعلیم و تربیت اسلامی سخن گفت. در این نوشته پس از بررسی بخشی از تعاریف و بحث‌های ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران تربیت و کتاب‌های موجود درباره تربیت اسلامی، درباره اصول تعلیم و تربیت اسلامی بحث می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام، اصول، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت

محدثه شریفی

نقد رویکردهای حاکم بر تعیین مراحل تعلیم و تربیت و دین‌شناسی و نقش آن در تعلیم و تربیت اسلامی

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی ضمن پرداختن به مفهوم مراحل تعلیم و تربیت به بررسی و نقد آرای دکتر غلامحسین شکوهی، دکتر علی تقی پور ظهیر و دکتر خسرو باقری و دانشمند معروف خارجی ژان پیاژه در خصوص مراحل تعلیم و تربیت پرداخته شده است و در ادامه به نقد و بررسی ملاک‌های تعیین مراحل تعلیم و تربیت بر اساس الگوی مراحل رشد، پیش‌نیاز منطقی، اولویت ساختاری و اولویت محتوایی که در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی که توسط جمعی از نویسندگان زیر نظر استاد محمدتقی مصباح یزدی در مؤسسه امام خمینی (ره) تألیف شده است، پرداخته‌ایم. تعلیم و تربیت یکی از موضوعات مهم در جامعه بشری می‌باشد که مطالعه در این موضوع کمک بسیاری به افراد در این حوزه می‌کند و در این مقاله سعی شده است به مراحل آن و اهمیت این مراحل از دید شخصیت‌ها پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مراحل تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اسلامی، نقد، دین‌شناسی

هادی کریمی عقدا - زهرا فاضل یزدی

اختلالات دیکته‌نویسی در کودکان ابتدایی و درمان آن

شنیدن و خواندن وسیله‌ای است برای پی بردن به افکار دیگران و گفتار و نوشتن وسیله‌ای است برای آگاه ساختن دیگران از مقاصد و افکار خود؛ بنابراین تمام کوشش‌هایی که در زمینه آموزش زبان در دبستان انجام می‌گیرد باید در جهت پرورش ارکان چهارگانه آن یعنی شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن باشد؛ اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا دانش‌آموزان ما در املا ضعف دارند؟ به روایتی اشکال کار در کجاست؟ معلم؟ دانش‌آموز؟ و شاید هم خانواده؟

این گفته را شنیده‌اید که «در آینده بی‌سواد کسی نیست که نتواند بخواند، بلکه کسی است که یاد نگرفته که چگونه یاد بگیرد». یکی از آرزوها این است که در بسیاری از زمینه‌های آموزشی، یافته‌های جدید و خلاقیت جایگزین روش‌های سنتی شود؛ بنابراین برای رسیدن به این آرزو باید دروس را به صورت کاربردی آموزش داد و مهارت یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت کرد.

دانش‌آموزان بسیاری وجود دارند که در درس دیکته دچار مشکل هستند و یا از خود علاقه نشان نمی‌دهند؛ بنابراین برای ایجاد انگیزه، علاقه و رفع مشکل دیکته‌ی دانش‌آموزان باید املا را به صورت کاربردی آموزش داد.

املا یکی از جلوه‌های زبان است و زبان یک مهارت است و مهارت جز از راه تمرین و تکرار به دست نمی‌آید. اگر تنها به همین امر توجه کنیم، سمت‌وسوی نگاه ما به درس املا تغییر می‌کند و خودبه‌خود شیوه‌های صحیح تدریس املا را کشف می‌کنیم. یادگیری صحیح املا تنها از طریق حفظ طوطی وار لغات حاصل نمی‌شود. معمولاً روش‌های آموزش مبتنی بر حس بینایی و حافظه دیداری برای یادگیری املا کارآمدتر و مناسب‌تر است.

واژگان کلیدی: درمان اختلالات، کودکان ابتدایی، دیکته

مهناز نوید - زهرا سالاری



* نسخه کامل مقالات فوق و دیگر مقالات دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه از وبگاه نشریه قابل دانلود می باشد.

نقش کارورزی در آماده سازی علمی و عملی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

کارورزی به عنوان تمرین عملی معلمی پیش از شروع خدمت رسمی معلمان می تواند به عنوان یکی از دروس مهم تلقی شود. این مقاله باهدف ارزیابی درس کارورزی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی بود و ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس پرسشنامه الیاسی و همکاران (۱۳۹۲) طراحی شده بود. گروه نمونه شامل ۹۸ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان یزد (پردیس خواهران) بودند که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. از آزمون تی تک نمونه ای و تحلیل واریانس یک راهه برای تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داده است که فعالیت ها و محتوای دوره کارورزی از نظر کاربرد عملی برای دانشجویان تربیت معلم دارای ارزش و اعتبار است ($T=4/75, p<0.01$)؛ اما بر اساس نظر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، فعالیت ها و محتوای دوره ها از نظر علمی دارای اثر معنادار نیست ($T=1/29, p>0.05$). همچنین دانشجویان دوره کارورزی را متناسب با نیاز شغلی خود ارزیابی کرده اند ($T=6/38, p<0.01$) و آن را از نظر زمانی نیز مناسب می دانند ($T=5/93, p<0.01$). از طرفی بر اساس یافته ها تفاوت معناداری بین میزان رضایت دانشجویان از اساتید مختلف مشاهده شده است ($F(96,14)=5.11, P=0.001$). یافته ها با توجه به اهمیت درس کارورزی پژوهش های بیشتر در این حوزه پیشنهاد می شود.

رضا کرمی نژاد، آزاده جمالیزاده، فاطمه دشتی

تحلیل محتوای سند تحول بنیادین با توجه به مؤلفه های تربیت سیاسی امام خمینی (ره)

در این مقاله، محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از منظر توجه به مؤلفه های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار می دهیم. برای این منظور از روش تحلیل محتوای کمی و ابزار (سیستم مقوله بندی) استفاده نمودیم. مؤلفه های تربیت سیاسی از منظر بنیان گذار کبیر انقلاب عبارتند از: آزادی، استقلال، خودشناسی، آگاهی و عدالت. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را با مجموع هزار و پانصد و سی و هفت پاراگراف مورد بررسی قرار دادیم و واحد تحلیل، پاراگراف بود. برای هر مؤلفه، مضامینی انتخاب نمودیم و محتوای سند را مورد بررسی قرار دادیم. در پایان به این نتایج نائل گشتیم: مؤلفه استقلال ۱۶/۲ درصد، مؤلفه آزادی ۵۷/۱۱ درصد، مؤلفه خودشناسی ۴۶/۵ درصد، مؤلفه عدالت ۴۵/۴ درصد و مؤلفه آگاهی ۳۳/۱۶ درصد در پاراگراف های کل سند تحول، موجود بود. نتایج حاصل نشان می دهد به طور کلی توجه نسبتاً مناسبی به تربیت سیاسی از دیدگاه امام، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است. از آنجایی که تربیت سیاسی، امری حیاتی برای دانش آموزان و به طور کلی جامعه هست و نهاد آموزش و پرورش وظیفه اصلی پرورش افرادی با بینش سیاسی مکفی را بر عهده دارد، شایسته است که توجه به این مهم، سرلوحه نظام تعلیم و تربیت کشور قرار گرفته و در برنامه ریزی های کلان و محتوای کتب درسی نیز به آن توجه ویژه ای مبذول گردد.

واژگان کلیدی: سند تحول بنیادین، تربیت سیاسی، امام خمینی (ره)، تحلیل محتوا، آموزش و پرورش

محمد جابر سالاری گوهرریزی، محمدرضا طیبی میبیدی، نوشین رجب زاده

مدیریت اسلامی، با تأکید بر اخلاقیات

این پژوهش با هدف بررسی مدیریت اسلامی با تأکید بر شاخص های اخلاقی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است که با روش کتابخانه ای انجام شد. پرسش های پژوهشی مطرح شده عبارت است از: از دیدگاه قرآن کریم و متون اسلامی موضوعات و مفاهیم اخلاقی چه مواردی هستند؟ نقش اخلاق در مدیریت اسلامی چیست؟ نتایج این بررسی نشان داد که مفاهیم اخلاقی در دو گروه جای می گیرند: برخی از آن ها نقش هدایتگری را در سیر معنوی و اخلاقی انسان بازی می کنند و گروهی دیگر صفت نفسانی عمل کننده اند که در سایه صفت هدایتگر تحقق می یابند و آثار خاصی را نیز در حوزه رفتار در پی دارند. به طور خلاصه می توان گفت که اخلاق در تمام شئون زندگی انسان، از جمله مدیریت خرد و کلان، رهبری جامعه، روابط بین الملل و قوانین اجتماعی سخن دارد و به کارگیری آن ها تعالی انسان را در پی خواهد داشت. وجه تمایز مداخلات اخلاقی در مدیریت از مداخلات دیگر را می توان مربوط بودن آن ها به رفتارهای غیر الزامی و فضائل انسانی دانست که به چارچوب قوانین محدود نمی شود. مسائل اخلاقی در مدیریت اسلامی، در ضمن اصولی مانند مودت، رحمت، رفق، ملایمت، سازگاری، حقوق مداری، نیک رفتاری، تکریم، تفاهم، توافق، بخشش، گذشت، شکیبایی، صراحت، صداقت، نفی خشونت و.... ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت اسلامی، اخلاق

افسر خلیلی صدرآباد، حمیده رادمنش، مجتبی طاقداری اردکانی

احوال باتری تون چگونه؟!



یکی از مهم ترین مشکلات گوشی های تلفن همراه، مربوط به باتری آن ها است.

زمانی که شارژ گوشی ناگهان تخلیه می شود به این معنی است که باتری کارایی خود را از دست داده است.

با رعایت مواردی جزئی، می توان عمر باتری های موبایل را افزایش داد.

گرچه این توصیه ها برای اغلب باتری های لیتیومی کاربرد دارد ولی می توان از آن ها برای نگهداری از باتری لپ تاپ و برخی از دوربین های دیجیتال نیز استفاده کرد.

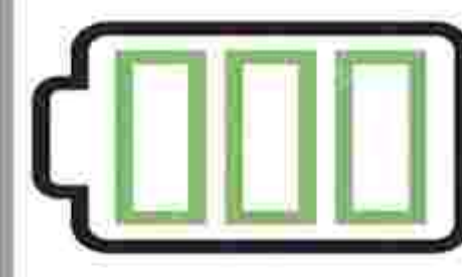
شارژ اول



زمانی که برای اولین بار گوشی را شارژ می کنید، ظرفیت باتری مشخص می شود.

اولین استفاده از گوشی نباید با شارژ همراه باشد، به این معنی که ابتدا اجازه دهید، شارژ اولیه به طور کامل تخلیه شود و سپس گوشی را به طور کامل شارژ کنید. زمان این شارژ معمولاً به ظرفیت باتری وابسته است. در گوشی های موبایل که دارای باتری های کوچکی هستند، زمانی بین شش تا هشت ساعت کافی خواهد بود اما در لپ تاپ ها بهتر است این زمان تا ۱۲ ساعت افزایش پیدا کند. اگر کار ضروری با دستگاه ندارید آن را حین شارژ کردن خاموش کنید. معمولاً بعد از یکی دو ساعت گوشی پیام پایان شارژ را نشان خواهد داد، اما در دفعات اول به این پیام توجه نکنید و اجازه دهید شارژ باتری همچنان ادامه داشته باشد.

شارژ مناسب



از آداپتور متناسب با گوشی خود استفاده کنید. برخی از آداپتورها ممکن است از نظر شدت جریان با گوشی سازگار نباشند.

یکی از دلایل داغ شدن باتری هنگام شارژ می تواند با آداپتور آن مرتبط باشد. شارژ گوشی در هوای گرم نیز باعث آسیب دیدن باتری خواهد شد. این اتفاق معمولاً در اتومبیل ها بسیار دیده می شود. اگر هوای داخل اتومبیل گرم است و یا گوشی زیر نور آفتاب قرار دارد بهتر است آن را تا زمان خنک شدن اصلاً شارژ نکنید.

انجمن فناوری پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

پاورپوینت :

یک معلم برای بهبود تدریس خود نیاز به محتوای الکترونیکی دارد و برای تولید آن باید از برنامه های نظیر make builder و... استفاده کند؛ اما ساده ترین راه، استفاده از برنامه Power point به همراه Ispring می باشد

کار با برد هوشمند:

از برد هوشمند می توان در زمینه های اتصال به اینترنت، پخش فیلم های آموزشی و محتوای الکترونیکی و... استفاده کرد. ساده ترین برنامه مورد نیاز برای برد هوشمند، Eboard است.

مهارت های مورد نیاز معلم

فیلم آموزشی:

در عصر حاضر معلمان برای تدریس بهتر و مفیدتر، از فیلم های آموزشی استفاده می کنند و از معروف ترین برنامه ها برای ساخت آن، Adobe Corel است.

برنامه اکسل:

برنامه های کاربردی برای معلمانی است که نیاز به محاسبات عددی بسیار و رتبه بندی دانش آموزان کلاس های خود دارند.

آشنایی با وبلاگ:

وبلاگ مفیدترین ابزار برای اشتراک گذاشتن موضوعات و مطالب آموزشی بین معلم و دانش آموزان در فضای مجازی است. بهترین سیستم وبلاگ دهی رز بلاگ است.

انجمن فناوری پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

معرفی سایتهای مفید:



www.raveshtadris.com

در این سایت شما می توانید تنها با وارد کردن نام و نام خانوادگی و آدرس ایمیل خود روش های نوین تدریس، شیوه های کلاس داری و... را به صورت رایگان از طریق ایمیل دریافت کنید. در این سایت شما می توانید مقالات، روش تدریس ها، آموزش ها و... را دانلود کنید.

www.wolframalpha.com

این سایت جهت پاسخگویی به تمام سؤالات شما البته به زبان انگلیسی، شما در این سایت می توانید هر نوع اطلاعاتی که نیاز دارید به دست بیاورید و مطمئن باشید که این اطلاعات تا حد زیادی درست هستند. شاید جالبترین سؤال هایی که این سایت بتواند جواب دهد، حل هر نوع مسئله ریاضی، از ساده ترین مسائل ممکن تا انواع انتگرال های معین و نامعین؛ و جالب تر این است که ولفرام فقط به شما جواب نمی دهد، بلکه راه حل و سخت ترین تابعی که به ذهن می رسد را نشان می دهد.

میلاد شجاعی نیری

amoozesh.kanoon.ir

amoozeshir

این سایت دروس دبستان، راهنمایی و دبیرستان در تمامی مقاطع را در قالب فیلم های ۳ دقیقه ای در هر مبحث رایگان روی وب قرار داده است.

www.parkedanesh.info

سایت علمی پارک دانش و آگاهی از علوم روز

www.razzi.ir

سایت مناسب برای معرفی و دانلود برنامه های کامپیوتری رایگان، تمام نرم افزارهای مورد نیازتان را بدون مشکل شماره سریال و کرک و بدون زیر پا گذاشتن حق کپی رایت دانلود کنید.

سیستم عامل خود را به ویندوز ۱۰ ارتقا بدهیم یا خیر؟!

معرفی نرم افزار

Net Guard



محدودیت، کنترل و جلوگیری دسترسی به اینترنت برنامه های اندروید بدون نیاز به روت برنامه های نصب شده روی گوشی، هر یک به میزان مشخصی از حجم اینترنت شما را مصرف می کنند. اگر نیاز ضروری به مدیریت این برنامه دارید و می خواهید دسترسی آن ها به شبکه اینترنت موبایل را کنترل و یا محدود کنید برنامه را دانلود و نصب کنید و با اعمال تنظیمات لازم این محدودیت را ایجاد کنید. به علت مصرف اینترنت توسط برنامه های مختلف در گوشی، در قسمت دیتای گوشی می توانید میزان استفاده از حجم اینترنت (data usage) خود را محدود کنید.

چرا رایانه خود را به ویندوز ۱۰ ارتقا دهیم:

- ۱- یکی از مهم ترین دلایل برای ارتقا به ویندوز ۱۰، رایگان بودن آن است.
- ۲- ویندوز ۱۰، سریع تر اجرا می شود و میزان مصرف انرژی هم کمتر است.
- ۳- ویندوز ۱۰ هم مثل ۸، تخت و ساده است و باعث می شود سخت افزارتان کمتر تحت فشار باشد و از آن برای دیگر نرم افزارها استفاده کنید.
- ۴- در سمت راست ویندوز تمام هشدارها را در دسترس نشان می دهد.
- ۵- بخش های خوب ویندوز ۸ را دارد و بخش های بد ویندوز ۸ درست شده اند.
- ۶- استارت منو بازگشته است و باعث شخصی سازی زیاد شده است.
- ۷- ابزار جست و جوی استارت منو به نوار پایین دسکتاپ انتقال داده شده است.

چرا رایانه خود را به ویندوز ۱۰ ارتقا ندهیم:

- ۱- امنیتش سؤال برانگیز است.
- ۲- آپدیت ها اجباری هستند.
- ۳- به مایکروسافت اکانت نیاز دارد: داشتن حساب کاربری مایکروسافت برای اجرای برخی از نرم افزارها اجباری است.

انجمن فناوری پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

Total Video Converter



نرم افزاری بسیار کاربردی برای علاقه مندان به فیلم و فیلم سازی. از قابلیت های این نرم افزار می توان به کم کردن حجم آهنگ، جدا کردن صدا از ویدیو و... اشاره کرد.

نوجه کرد

نکاتی که در زمان خرید لپ تاپ باید به آن

۱- باید توجه داشته باشیم که لپ تاپ، دارای پردازنده های CORE i باشد: بسیاری از کاربران برای انجام کارهای خود نمی خواهند لپ تاپ ضعیفی داشته باشند و از طرفی بودجه زیادی هم برای هزینه کردن ندارند. در این باره می توانند از لپ تاپ های COR i ۵,۷ استفاده کنند.

۵- لپ تاپی که قصد خرید آن را دارید باید کیبوردی بسیار اورگونومیک، خوش طراحی و راحت برای تایپ داشته باشد و حتما به طراحی لپ تاپ بسیار توجه شود.

۲- لپ تاپ های مجهز به نمایشگر ۱۵,۶ اینچی معمولاً بدنه ای بزرگ تر از لپ تاپ های ۱۴ اینچی دارند. پس برای انتخاب لپ تاپ حتما به وزن و مقدار ضخامت آن توجه ویژه شود.



۴- برای انتخاب لپ تاپ به تعداد و نوع پورت ها توجه کنید که پورت هایی مثل HDMI و VGA داشته باشند انتخاب کنید.

۳- جنبه مهم دیگر لپ تاپ قطعاً میزان نگهداری باتری آن است پس لپ تاپ هایی را پیشنهاد می دهیم که طول عمر باتری بالاتری دارند، انتخاب کنید.

انجمن فناوری پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

نرم افزار ویراستار



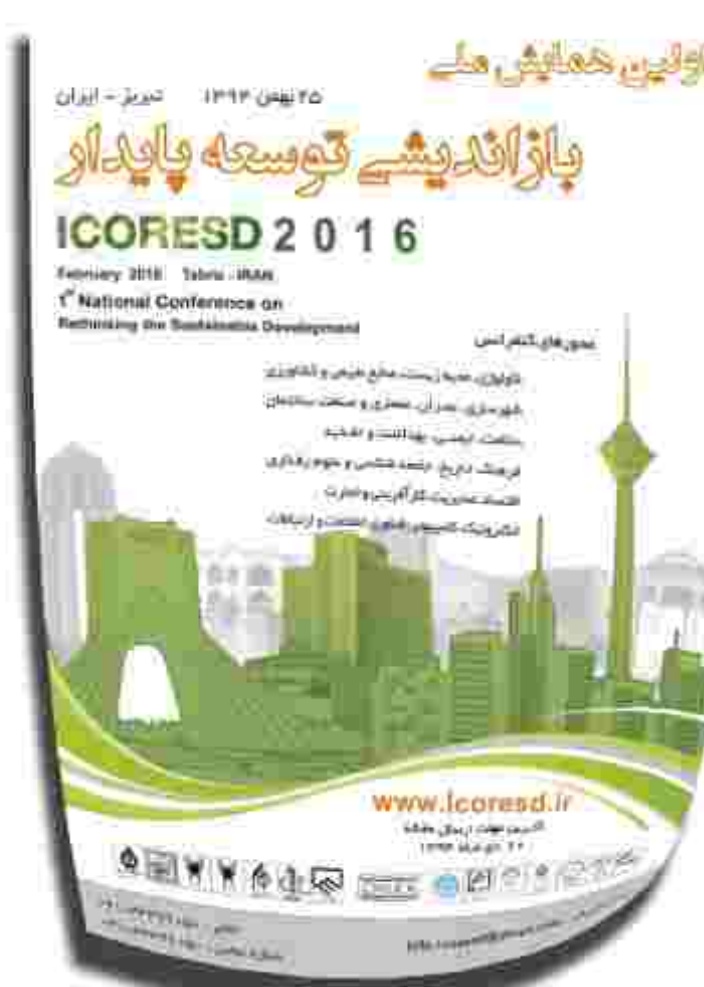
این نرم افزار افزونه ای برای Microsoft word که قابلیت های متعددی را برای کاربران فراهم می کند. از قابلیت های این افزونه می توان به موارد زیر اشاره کرد: اصلاح املاهای واژه ها، چسبیدن واژه های متوالی به هم، اصلاح نویسه های نیم فاصله، اصلاح اعراب، اصلاح نشانه گذاری، تبدیل تقویم و تاریخ، پیش پردازش املاهای متن، تبدیل اعداد



مریم ریسی



فراخوان و همایش



دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی



تاریخ برگزاری کنفرانس: ۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۴
آخرین مهلت ارسال مقالات: دی‌ماه ۱۳۹۴
آدرس سایت: www.icpe2016.ir

فراخوان دومین همایش ملی تربیت‌معلم

محورهای اصلی همایش:

- (الف) اسناد فرادستی و مبانی در تربیت‌معلم
 - (ب) آموزش و برنامه‌های درسی تربیت‌معلم
 - (ج) تحول و نوآوری در تربیت‌معلم و...
- آخرین مهلت ارسال مقالات کامل: ۹۴/۱۱/۳۰
تاریخ اعلام نتیجه داوری مقالات: ۹۵/۱/۲۰
تاریخ برگزاری همایش: ۹۵/۲/۱۴
آدرس سایت: www.hmt.cfu.ac.ir

همایش بین‌المللی جستارهای ادبی و ارتباطات فرهنگی

محورهای همایش:

- (۱) ادبیات غنایی
 - (۲) ادبیات داستانی
 - (۳) ادبیات کودک و ...
- تاریخ برگزاری همایش ۱۶ اسفند ۱۳۹۴
آخرین مهلت ارسال مقالات ۱۵ بهمن ۱۳۹۴
آدرس سایت: www.language1404.ir

فراخوان مسابقه داستانک نویسی کشوری

کانون شهید بهشتی شهرستان علی آباد کتول (وابسته به آموزش و پرورش)

در نظر دارد یک دوره مسابقه داستان نویسی با موضوعات مربوط به مدرسه و آموزش و پرورش، بین فرهنگیان و دانش آموزان سراسر کشور برگزار نماید.

تلفن: ۰۱۷۳۴۲۲۳۳۲۵

آخرین مهلت ارسال آثار: ۵ بهمن ۱۳۹۴

شرایط نگارش مقاله برای این فراخوان در آدرس زیر قرار گرفته است.

آدرس سایت: www.kanoonbeheshty.blogspot.com

کد پستی: ۴۹۴۱۶-۵۴۶۶۱

اولین همایش ملی بازاندیشی توسعه پایدار

هدف اصلی همایش دستیابی به جدیدترین

پیشرفت‌ها و یافته‌های علمی- پژوهشی در زمینه علوم انسانی، معماری، عمران، محیط زیست، برنامه ریزی و طراحی شهری و رشته‌های مرتبط با همایش می باشد.

مهلت ارسال اصل مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

مهلت ثبت نام: ۹۴/۱۱/۱۰

زهره فاضل

معرفی کتاب

نام کتاب: مهتاب عشق

نویسنده: رومن گاری

ترجمه: محمود سلطانیه

انتشارات: جامی

شخصیت‌های داستان ما زن و مردی هستند که به صورت اتفاقی با هم برخورد می کنند. مرد قرار است زنی را که عاشقش بوده است، امشب از دست بدهد و زن قبل مرگ از او خواسته که ترکش کند و حتما زن دیگری را وارد زندگی خود کند و همچنان عاشقانه زندگی نماید. زن قصه پس از تصادف رانندگی و کشته شدن دخترش و مشکلات مهم شوهرش، دیگر همسرش را دوست ندارد و قرار است این دو به هم نزدیک شوند.

کتاب متوسطی بود. من موضوع و مفهوم آن و جملات رد و بدل شده‌شان را دوست داشتم اما نحوه نوشتن کتاب واقعا به دلم نشست و بنظرم سنگین بود. شاید هم مشکل در ترجمه‌ی خیلی سنگین و غیرصمیمی آن بود.

قسمت‌های زیبایی از کتاب:

وقتی آدم مدام سفر کند، دست آخر روزی فرا می رسد که دیگر هیچ کس را نشناسد...

بیش از آن عشق ورزیده بودم، که بتوانم بدون وابستگی و با تکیه به خودم زندگی را دنبال کنم.

سعید جعفری کافی آباد

نام کتاب: زمستان

نویسنده: جان اشتاین بک

ترجمه: شهرزاد لولاچی

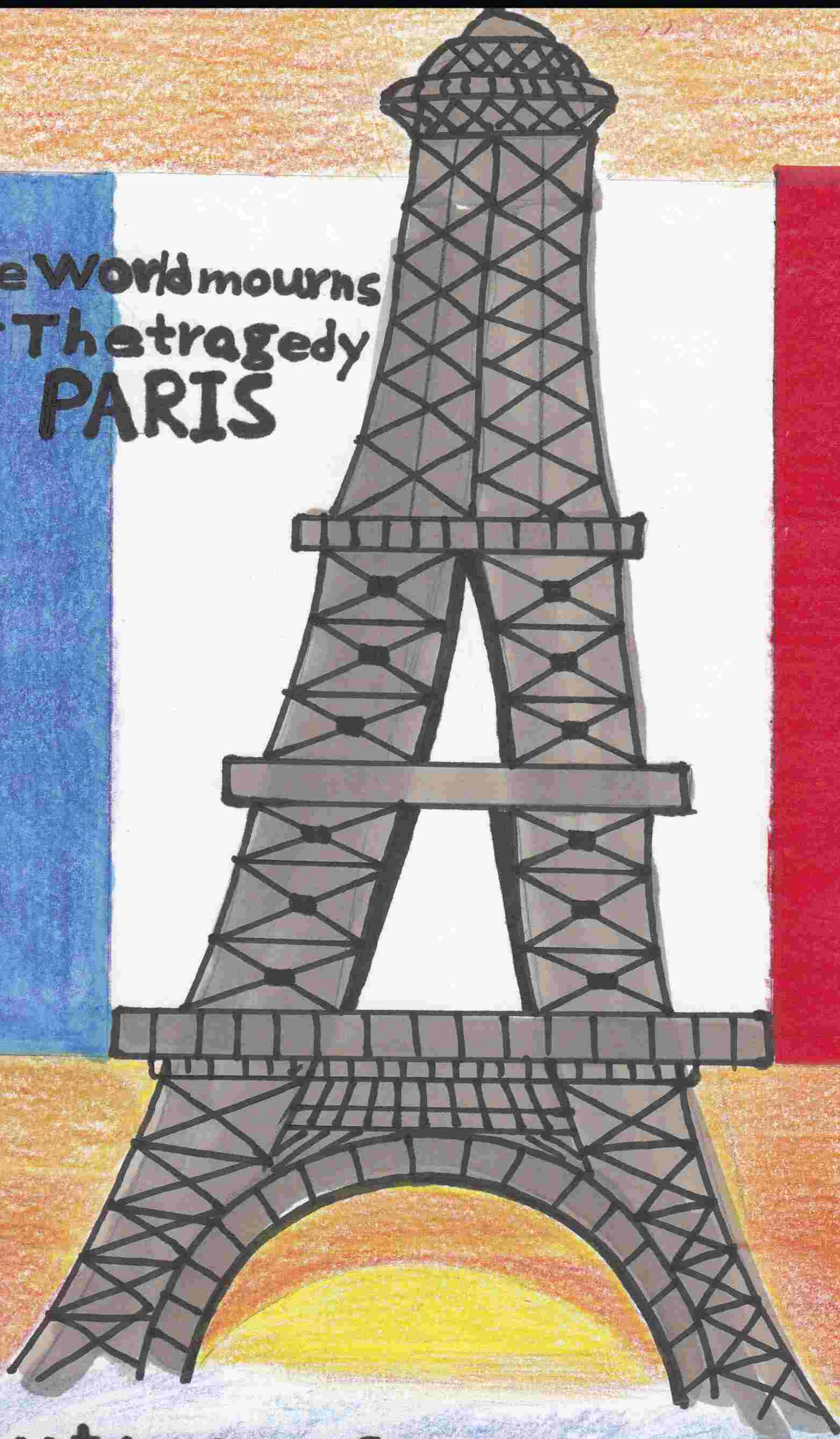
انتشارات: مروارید

داستان توی یک شهر کوچک می گذرد. مردی از یک خانواده اصیل قدیمی و پولدار که به مرور ورشکسته شدند و الان در یک خواربارفروشی کار می کند. طبع طنز دارد و آدم صاف و ساده و بسیار صادقی است که به همین جایی که قرار دارد، راضی است و دنبال ریسک و بهبود اوضاع اقتصادی‌اش هم نیست. البته چیزایی سر راهش قرار می گیرد تا او را از راه منحرف کند. همسرش مری، فال گرفته است و مرد قرار است پولدار شود. این کتاب برایم خیلی جالب بود و من داستان آن را خیلی دوست داشتم و ممکن است در زندگی برای ما هم پیش بیاید.

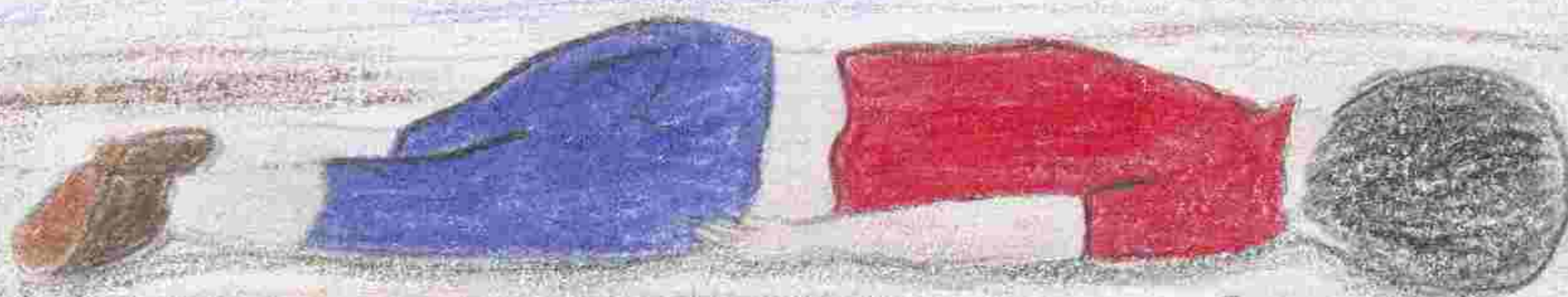
پیشنهاد می کنم حتما این کتاب را مطالعه کنید.



The World mourns
for The tragedy
of PARIS



But never for this.





خیلی مهم است، اینجا شخصیت معلمین ساخته می شود

امام خمینی (مدظله العالی)